

مشاور امنیت ملی پاکستان: ما مخالف طالبان نیستیم



مشاور امنیت ملی نخست‌وزیر پاکستان می‌گوید که طالبان با آن‌ها دشمنی ندارد، پس لزومی نمی‌بیند که با این گروه بجنگند. او گفت: مبارزه یا مذاکره با طالبان افغانستان به پاکستان مربوط نمی‌شود. سرتاج عزیز مشاور نخست وزیر پاکستان در مصاحبه با رسانه‌های خارجی اظهار داشت: شبه‌نظامیانی که خطری برای پاکستان ندارند نباید هدف قرار بگیرند. وی افزود: شبه‌نظامیان مخالف امریکا بدون هیچ دلیلی تبدیل به مخالفان سرسخت...
ادامه صفحه ۶

افزایش حملات انتحاری در پی رد فهرست خواست‌های پاکستان از سوی دکترا غنی



صفحه ۶

جنرال دوستم، معاون رییس‌جمهور:

حملات انتحاری اخیر با هماهنگی برخی دولتی‌ها انجام شد



مشرف:

در حال آماده‌شدن برای یک جنگ نیابتی در افغانستان هستیم



رییس‌جمهور پیشین پاکستان گفت، خروج نیروهای ناتو از افغانستان در پایان سال جاری میلادی احتمالاً هند و پاکستان را به سمت یک جنگ نیابتی در این کشور سوق می‌دهد. پرویز مشرف، رییس‌جمهوری پیشین پاکستان به خبرگزاری فرانسه گفت: خطر موجود برای پاکستان تأثیر در افغانستان است. این مساله تنها تهدیدی برای پاکستان نیست بلکه برای تمام منطقه است چراکه دخالت دهلی‌نو در افغانستان به معنای یک اقدام بالقوه ضدپاکستانی است. هند می‌خواهد یک افغانستان ضدپاکستان ایجاد کند. مشرف که خود به اتهام دست داشتن در ترور بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر فقید پاکستان و یکسری اتهام دیگر تحت بازداشت خانگی به سر می‌برد، اشرف غنی، رییس‌جمهوری افغانستان را

انجام شده است. وی افزود: همدستی با عاملان حملات تروریستی در کابل، هزینه سنگینی خواهد داشت و افراد همدست با عاملان حملات اخیر در هر جایی که باشند به سرعت شناسایی شده و به سزای اعمال خود خواهند رسید. طی ۳ روز اخیر حملات انتحاری و انفجاری در کابل شدت یافته طوری که به فاصله یک روز این شهر شاهد ۲ حمله انتحاری مهیب بود.

معاون اول ریاست‌جمهوری افغانستان حضور در محل انفجار صبح روز گذشته در کابل گفت: حملات اخیر در کابل با هماهنگی برخی چهره‌ها در داخل دولت انجام شده است. جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست‌جمهوری افغانستان دقایقی پس از حمله انتحاری صبح روز گذشته در حوزه نهم امنیتی کابل در محل حادثه حضور یافت و به خبرنگاران گفت: حملات اخیر در کابل با هماهنگی برخی چهره‌های دولتی (نفوذی‌های دشمن)

نتیجه نظرسنجی «آسیافونیش»: بیکاری و ناامنی دو مشکل عمده افغان‌هاست



براساس یک نظرسنجی جدید ۴۰ درصد افغان‌ها فکر می‌کنند که کشورشان به سمت اشتباهی در حرکت است. پاسخ‌دهندگان به این نظرسنجی ناامنی و بیکاری را بزرگ‌ترین مشکلات شان عنوان کرده‌اند. این نظرسنجی که توسط بنیاد آسیا در سراسر افغانستان انجام شده است، نشان می‌دهد که ۵۴٫۷ درصد افغان‌ها احساس می‌کنند...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



ادامه سیاست
کج‌دار و مریز
در مورد
پاکستان

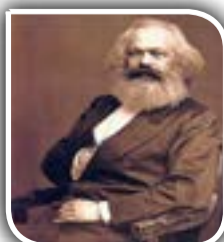
از جهان سوم به
جهان اول
داستان
سنگاپور
از سال ۱۹۶۵ الی
۲۰۰۰میلادی



اسطوره
کیخسرو
در
شاهنامه



فلسفه
«پراکسیس»
مارکس



سلطان احمد کوشا

ادامه سیاست کج دار و مریز در مورد پاکستان



سخن ماندگار

ستون پنجم شکسته شود

جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول رییس دولت وحدت ملی، پس از حمله صبح دیروز در شرق کابل به محل رویداد رفت. آقای دوستم در پیوند به این رویداد، صحبت‌هایی را ایراد کرد که بسیار مهم و واقع‌بینانه می‌نماید. آقای دوستم از جواسیسی گفت که در ارگان‌های امنیتی لانه کرده‌اند و در واقع هم‌دست افراد انتحاری در داخل کشور اند. این نکات بارها و بارها از طریق روزنامه ماندگار مطرح شده و نسبت به آن هشدار داده شده است.

اما این نخستین مقام بلندرتبه در دولت وحدت ملی است که از وجود همکاران داخلی طالبان در نظام کنونی یاد می‌کند. چنین تذکری بی‌سابقه هم نیست. قبلاً آقای کرزی و برخی از مقامات دولت او نیز از رخنه کردن طالبان در وزارت‌های دفاع، داخله و ریاست امنیت ملی یاد کرده بودند. از جمله چند رویداد جداگانه در وزارت دفاع و داخله، عملاً وجود عناصر بیگانه در این وزارت‌خانه‌ها را ثابت کرده بود. بنابراین، حق با جنرال دوستم است که بسیار آشکار از مشکلی که دامن‌گیر نهادهای امنیتی است، یادآوری می‌کند.

به‌راستی هم که مقامات دولت پیشین با آن‌که خود به وجود جواسیس کشورها و دشمنان افغانستان در نظام، به‌ویژه ارگان‌های امنیتی معترف بودند، عملاً در راستای زدودن آن کاری را از پیش نبردند. سازوکار دولت پیشین با تمام خوبی‌ها و بدی‌هایش، به دولت وحدت ملی منتقل شد. بی‌تردید که ساختارهای امنیتی نیز با همان شکل و شمایل پیشین نیز به دولت وحدت ملی تسلیم داده شده است و بنابراین، خیلی بهت‌آور نیست که جاسوسانی که زیر پوست ارگان‌های امنیتی فعالیت می‌کردند، در حال حاضر نیز فعال باشند.

موضوع دیگری که عملاً حضور عناصر ضد نظام در ارگان‌های امنیتی کشور را ثابت می‌کند این است که چه‌گونه افراد انتحاری از آن سوی مرز، بدون هیچ مشکلی وارد کابل، پایتخت، می‌شوند و خود را به هدف مورد نظر نزدیک می‌سازند. اگر بر فرض، یک فرد عادی از ننگرهار به مقصد کابل رهسپار گردد، در ده‌ها پاسگاه و ایست پولیس، بازرسی بدنی می‌شود و اگر موتوری به همراه داشته باشد، به همین‌گونه و جب به وجب واسطه‌اش تلاشی می‌گردد. بماند این‌که مأموران امنیت ملی کشور از هر اتفاق ناگوار قبل از قبل خبر می‌شوند و هیچ حرکتی در افغانستان از چشم آنان پوشیده نیست؛ به این معنا که هنوز فعالیت‌های امنیت ملی را مورد محاسبه قرار نداده‌ایم. بنابراین، پرسش این است که چه‌گونه افراد انتحاری موفق به اجرای عملیات‌های شوم‌شان می‌شوند؟... مگر چه چیزی جز این‌که دست همکار در داخل ارگان‌های امنیتی آن‌ها را کمک می‌نماید، می‌تواند موفقیت این نوع حملات را توجیه کند؟ بی‌تردید که حضور فعال مأموران استخبارات بیگانه در ارگان‌های امنیتی است که عملیات‌های انتحاری را به ثمر می‌رساند. ورنه، به‌تفاهت انجام چنین عملیات‌هایی از بیرون ممکن نیست.

در ضمن این نکته را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت که وجود فساد نیز می‌تواند زمینه چنین فعالیت‌هایی را مساعد سازد؛ طوری که با دادن رشوه به مأموران بلندرتبه پولیس، ارتش، امنیت ملی و دیگر نهادهای مربوط، می‌شود پای یک فرد انتحاری را تا نقطه هدف کشاند.

بارها در همین ستون تأکید شده است که پیش از دراز کردن دست دوستی به دشمن، اول عمال دشمن باید در درون نظام شناسایی شوند. دشمن در همین جا و ستون پنجم را در درون نهادهای امنیتی کشور تشکیل داده است و خانه کرده است و از همین‌جا عملیات‌های ضدبشیری را مدیریت می‌کند.

تأکید این مقال بازم این است که سخنان معاون رییس دولت وحدت ملی باید جدی گرفته شود و عناصر بیگانه در درون نظام، شناسایی و به چنگ قانون سپرده شوند و باید ستون پنجم شکسته شود.

اگر وضعیت به همین منوال ادامه یابد و هیچ تلاشی برای پاک‌کاری ارگان‌های امنیتی صورت نگیرد، بی‌گمان که هر نوع حرکت در راستای مبارزه و یا مذاکره با طالبان، منجر به شکست خواهد شد.

چنانکه حمله انتحاری مقابل لیسۀ حبیبیه در مرکز و حمله به یک شرکت امنیتی در شرق کابل، مقامات دولت وحدت ملی را سخت تکان داده است. گمان برده می‌شود که این حمله‌ها در پاسخ به سفرها و تلاش‌های رییس دولت وحدت ملی مبنی بر مذاکرات صلح و خشک کردن سرچشمه‌های تروریسم در منطقه صورت گرفته باشد.

درست پس از آن‌که آقای غنی ملاقات‌های مهمش را با رییس ارتش و مذهبیین پاکستان انجام می‌دهد، این حمله‌های خونین در مرکز شهر و شرق کابل رخ می‌دهد.

مورگنتا نویسنده کتاب «سیاست میان ملت‌ها» باور دارد که استراتژی دیپلماتیک باید بر اساس منافع ملی شکل بگیرد، نه ملاحظات خیالی‌یی که به گفته او از نگاه اخلاقی و قانونی، خطرناک‌اند. به‌جرات می‌توان گفت که حکومت افغانستان در سیزده سال گذشته در روابط دیپلماتیکش با پاکستان برخلاف این گفته عمل کرده است. آقای کرزی رییس‌جمهور پیشین کشور، بیست‌ویک بار به پاکستان سفر کرد تا بتواند با گفت‌وگو با مقامات این کشور، حمایت آن را در راه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و به پای میز گفت‌وگو کشاندن طالبان به‌دست آورد. اما آقای کرزی از این بیست‌ویک سفرش به پاکستان، نه‌تنها کدام دستاورد ملموسی برای افغانستان به ارمغان نیاورد، بلکه این سفرها سبب تیره‌گی هرچه بیشتر روابط افغانستان با این کشور و هرچه روشن‌تر شدن ضعف دیپلماتیک حکومت افغانستان برای مقام‌های پاکستانی گردید. آقای کرزی در این سفرها نه‌تنها نتوانست حمایت پاکستان برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه را جلب کند و این کشور را متقاعد سازد که از حمایت گروه‌های مخالف حکومت افغانستان دست بکشد، بلکه سبب شد پاکستان در جایگاهی قرار بگیرد که به گونه مستقیم به خاک افغانستان تجاوز کند و همچنان به ملامت این کشور جرات داد تا جهاد در افغانستان را فرض اعلان کنند. در نتیجه می‌توان گفت برآیند سیاست آقای کرزی در رابطه با پاکستان در سیزده سال گذشته، رهایی تعدادی از مقام‌های ارشد پیشین طالبان از زندان‌های پاکستان و تجاوز مستقیم پاکستان به خاک افغانستان بوده است.

عوامل متعددی سبب ناکامی تلاش‌های افغانستان برای جلب حمایت پاکستان در امر مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و همچنان دست کشیدن این کشور از حمایت گروه‌های مخالف حکومت افغانستان شد. یک دسته از این عوامل برمی‌گردد به شرایط داخلی افغانستان؛ از جمله ضعف دیپلماتیک حکومت افغانستان، نبود تعریف مشخصی

از دوست و دشمن نزد حکومت افغانستان، نبود توافق دیدگاه در مورد خط دیورند در افغانستان، نبود تعریف روشنی از منافع ملی در افغانستان، و برخورد قومی حکومت افغانستان با پدیده تروریسم و شورش‌گری در کشور. اما یک سری عوامل دیگر به روابط افغانستان با جهان به‌ویژه غرب برمی‌گردد. افغانستان در سیزده سال گذشته با وجود دریافت میلیاردها دلار از جامعه جهانی، نتوانست به کشورهای جهان ثابت سازد که می‌تواند یک همکار خوب برای آن‌ها در عرصه بین‌الملل باشد، به‌ویژه نتوانست برای امریکا ثابت کند که می‌تواند یک شریک خوب و بااعتماد برای آن کشور در منطقه باشد. بنابراین جامعه جهانی نخواست بر پاکستان فشار بیاورد تا در مورد حمایتش از طالبان و دیگر گروه‌های مخالف حکومت افغانستان، تجدید نظر کند.

سفر ناهنگام رییس‌جمهور غنی به پاکستان
آقای غنی رییس‌جمهور افغانستان چند روز پیش بعد از یک سفر دو روزه به پاکستان، به کشور برگشت. آقای غنی در این سفر با مقام‌های مختلف پاکستانی از جمله نواز شریف نخست‌وزیر، ممنون حسین رییس‌جمهور و راحیل شریف رییس ستاد ارتش این کشور دیدار کرده است. مقام‌های دو کشور در پایان این سفر، از آغاز فصل تازه بین دو کشور سخن گفتند و نواز شریف از آماده‌گی‌اش برای کمک به دولت افغانستان برای فراهم کردن زمینه گفت‌وگو با مخالفان مسلح خبر داده است؛ وعده‌یی که مقام‌های پاکستانی بارها به آقای کرزی رییس‌جمهور پیشین کشور در پایان سفرهایش به این کشور می‌دادند.

هم‌زمان با سفر رییس‌جمهور به پاکستان، مولانا فضل‌الرحمن رهبر حزب جمعیت اسلامی پاکستان، یک بار دیگر با مخالفتش با حضور نظامیان خارجی در افغانستان، جنگ در این کشور را جایز دانسته است. به گفته ریمون آرون فرانسوی؛ سیاست خارجی دولت‌ها، خود حاصل فعل و انفعالات جامعه داخلی است. اگر روشن‌تر بگوییم، در کل سیاست خارجی دولت‌ها

دنباله سیاست داخلی آن‌هاست. با این حال، پرسشی که به‌وجود می‌آید این است که: آقای غنی با کدام برنامه به پاکستان سفر کرده بود، در حالی که حکومت افغانستان تا به حال موفق به معرفی کابینه جدیدش نشده است و با وزیرهای سرپرست به کار خود ادامه می‌دهد، در حالی که تا به حال هیچ گفت‌وگویی میان مقام‌های حکومت وحدت ملی در مورد روابط آینده افغانستان با پاکستان صورت نگرفته است، و در کل در حالی که هیچ تغییری در شرایط داخلی افغانستان از نگاه قدرت سیاسی و عواملی که پیشتر بیان شد، نسبت به آخرین سفر آقای کرزی به پاکستان به‌وجود نیامده است؟ با این حال می‌توان گفت؛ این سفر آقای غنی همچو سفرهای آقای کرزی، به‌جز امضای چند قرارداد بازرگانی بین دو کشور، دیگر هیچ دستاوردی را به همراه نداشته است.

چه باید کرد؟

دولت افغانستان باید بپذیرد که هیچ‌گاه نمی‌تواند بدون حمایت جامعه جهانی، پاکستان را وادار به مبارزه واقعی با تروریسم و دست کشیدن از حمایت از گروه طالبان و دیگر گروه‌های مخالف خود سازد. افغانستان نخست باید تلاش کند که روابطش را با کشورهای منطقه و قدرت‌های جهان هرچه بیشتر گسترش دهد تا بتواند با کسب اعتماد این کشورها، حمایت‌شان را مبنی بر آوردن فشار بر پاکستان به خود جلب سازد. از سوی دیگر، افغانستان باید با تعریف مشخص از منافع ملی خود، موضع روشن در مورد خط دیورند و سیاست قاطع در مورد گروه‌های مخالف حکومت اتخاذ کند و در کل با سیاستی مدون و فرا دودمانی در مورد پاکستان، با این کشور وارد گفت‌وگو شود. در غیر این صورت، گفت‌وگو با پاکستان با سیاست کج‌دار و مریز نه‌تنها گره کور روابط تیره میان این دو کشور را نمی‌گشاید و نمی‌تواند در راه آوردن صلح در افغانستان موثر باشد، که این دو کشور را در یک جنگ تمام عیار در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.

امریکا سفر رئیس ارتش پاکستان را «سازنده و مثبت» خواند



وزارت خارجه امریکا اعلام کرد، رئیس ستاد ارتش پاکستان یکسری دیدارهای «سازنده و مثبت» با مقام‌های امریکایی در مقر فرماندهی مرکزی در ایالت فلوریدا داشت. به نوشته روزنامه نیشن، سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد، جنرال راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان در جریان اولین سفر خود به ایالات متحده مسائل بسیاری از جمله امنیت مرزها و وضعیت در وزیرستان شمالی را مورد بحث و بررسی قرار داد. وی افزود: ما روابط گسترده‌ای با پاکستان داریم و رئیس ستاد ارتش پاکستان یکی از چهره‌های اصلی است. وی در ادامه به اهمیت عملیات نظامی پاکستان در وزیرستان شمالی اشاره کرد و گفت: این عملیات در راستای مبارزه با گروه‌های افراطی حائز اهمیت است. سفر راحیل شریف به دعوت جنرال مارتین دمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا صورت گرفت و وی در ابتدا به مقر فرماندهی مرکزی تامپا در ایالت فلوریدا رفت. پس از آن راحیل شریف عازم واشنگتن شد و با مقام‌های دفاعی ارشد از جمله چاک هاگل، وزیر دفاع امریکا دیدار می‌کند. طبق گفته مقام‌های پاکستانی، هدف از این سفر ارتقای همکاری‌های نظامی اسلام‌آباد- واشنگتن است.

طاهر القدری خطاب به نواز شریف:

اگر می‌توانید دستگیر کنید!



رهبان حزب «تحریک عوامی پاکستان» گفت، دولت اسلام‌آباد جرأت ندارد وی را بازداشت کند.

به نوشته روزنامه نیشن، طاهر القدری، روحانی مستقر در لندن و رهبر حزب «تحریک عوامی پاکستان» به خبرنگاران گفت، آماده‌ام ۱۰۰ بار دستگیر شوم اما دولت نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان جرأت این کار را ندارد و هیچ قدرتی بر روی کره زمین نمی‌تواند مانع بازگشت من به پاکستان شود.

وی بار دیگر این مساله را که وی در نتیجه توافقی با دولت، به خارج از کشور سفر کرده، رد کرد و گفت: آیا در بخشی از این توافق من یک گناهکار و متخلف معرفی می‌شوم؟ من به عنوان بخشی از تعهدات بین‌المللی‌ام براساس آموزه‌های قرآن و حزب به سفرهای خود به اروپا، امریکای شمالی و دیگر کشورها ادامه خواهم داد.

طاهر القدری اتهامات مبنی بر اینکه حزبش حمله‌ای به پارلمان و مقر تلویزیون دولتی پاکستان را سازمان‌دهی کرده، رد کرد و در عوض مدعی شد که دولت پاکستان این حملات را برنامه‌ریزی کرده است.

رهبان حزب تحریک عوامی پاکستان در رابطه با ترازوی شهر «مدل» گفت، حزبش تحقیقات مشترک با دولت پنجاب را رد کرد.

وی بار دیگر از فرمانده ارتش پاکستان خواست تا به منظور تامین عدالت برای قربانیان، مداخله کند.

طاهر القدری از جنرال راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان خواست تا از نفوذش برای تشکیل یک تیم تحقیقاتی آزاد، بی‌طرف و عادل که برای تحقیق در رابطه با ترازوی شهر «مدل» تشکیل می‌شود، استفاده کند.

وی افزود: این اولین بار نیست که از ارتش خواسته شده تا درباره یک کشتار تحقیق کند.

در رابطه با کشتار چهار قاضی مدنی که در داخل زندان «سیالکوٹ» به قتل رسیدند، رئیس دادگستری دادگاه عالی لاهور از ارتش پاکستان خواست تا در انتصاب یک تیم تحقیقاتی بی‌طرف برای بررسی این رویداد، کمک کند.

طاهر القدری قرار است ۲۰ نوامبر سال‌جاری میلادی وارد پاکستان شود.

داعش نه اسلامی است و نه دولت



وزیر امور خارجه امریکا به گروه شبه نظامی داعش هشدار داد که ایالات متحده از این گروه هیچ هراسی ندارد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، جان کری، وزیر امور خارجه امریکا گفت: اقدامات وحشیانه داعش و گستردگی بالقوه این گروه تروریستی در سراسر جهان هیچ هراسی برای امریکا ندارد و واشنگتن برای مقابله با این گروه تروریستی با کشورهای خاورمیانه عمیقاً همکاری می‌کند.

جان کری در نشست سالانه سیاست‌گذاری در واشنگتن که توسط مجله فارین پالیسی برگزار شده بود، گفت: امریکا به دنبال دشمنانش در خاورمیانه نیست بلکه هم اکنون زمان آن فرا رسیده تا ما در کنار تمامی کشورهای این منطقه به مقابله با تهدیدهای ناشی از داعش و گروه‌های تروریستی بپردازیم.

اظهارنظرهای وزیر امور خارجه امریکا پس از آن مطرح شد که داعش پیتر کاسیگ، یکی از امریکایی‌های دربند این گروه را سربرید.

وزیر امور خارجه امریکا همچنین گفت: رهبران داعش بر این تصورند که جهان از آن‌ها می‌ترسد اما بگذارید این مساله را مشخص کنیم که ما هیچ ترسی از شما نداریم.

کری همچنین گفت: اکثریت عاملان انتحاری داعش را شبه نظامیان خارجی تشکیل می‌دهند که بدترین جرایم را تاکنون مرتکب شده‌اند.

وی ادامه داد: به کارگیری شبه نظامیان خارجی برای انجام بدترین جنایت‌ها و جرایم به این دلیل است که آن‌ها هیچ نوع رابطه زبانی یا قومیتی با یکدیگر ندارند و به راحتی می‌توانند دست به اقدامات انتحاری بزنند.

وزیر امور خارجه امریکا گفت: بگذارید صادق باشیم، داعش به دنبال شبه نظامیان خارجی است که گمان می‌کند که به دنبال انجام اقدامات انتحاری و جرایم خاص هستند و می‌توانند هر آنچه را که می‌خواهد به آن‌ها بقبولاند.

این مقام مسئول دولت امریکا همچنین گفت: حملات هوایی تحت رهبری ایالات متحده علیه

مواضع داعش کمک به دولت بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه نیست.

وی ادامه داد: برخی از گروه‌های اپوزیسیون سوریه دولت امریکا را به خاطر این حملات مورد انتقاد قرار داده و می‌گویند انجام این حملات کمک به دولت اسد است اما باید این نکته را مشخص کنیم که این حملات تنها برای از میان برداشتن داعش صورت می‌گیرد. برخی معتقدند که این حملات تاثیر شگرفی در کمک به دولت سوریه می‌گذارد اما اینچنین نیست.

کری گفت: داعش خودش را تنها جانشین اسد می‌داند و هر دو این‌ها به دنبال دستیابی به یک نتیجه هستند که جای یکدیگر را بگیرند.

وزیر امور خارجه امریکا تاکید کرد: داعش نه اسلامی است و نه یک دولت.

وی افزود: این گروه که خودشان را یک دولت می‌نامند در حقیقت نه اسلامی و نه یک دولت هستند و از جانب هیچ گروهی حمایت نمی‌شوند. داعش دشمنی است که ما آن را بسیار

جدی می‌گیریم چرا که عملکرد آن‌ها در منطقه خاورمیانه باعث شده تا تعداد زیادی از قاتلان این گروه تروریستی کنترل نواحی بسیار زیادی از منطقه را به دست بگیرند. آن‌ها حجم بسیار زیادی از تسلیحات و منابع مالی دولت‌های سوریه و عراق را به سرقت برده‌اند و تلاش می‌کنند تا تعداد زیادی از شبه نظامیان خارجی متعصب را به خدمت بگیرند. بنابراین داعش تهدیدی است که منافع اصلی امریکا را در منطقه و حتی در سراسر جهان تهدید می‌کند.

این دیپلمات ارشد امریکایی گفت: تروریست‌های داعش خطری غیر قابل قبول برای تاسیسات و پرسنل امریکایی در عراق و سایر مناطق جهان به ویژه در خاورمیانه محسوب می‌شوند. در صورتی که این سازمان افراطی همچنان به فعالیت خود ادامه دهد به یک تهدید بسیار خطرناک برای کل جهان تبدیل خواهد شد. داعش بر خلاف سایر گروه‌های افراطی خوب سازماندهی شده و از نظم مناسبی برخوردار است.

حاشیه‌هایی از سفر پوتین و اوباما به استرالیا



به نظر می‌رسد حاشیه‌های نشست گروه ۲۰ در بریسن استرالیا تمامی ندارد، از پیشمرگ پوتین تا درخواست وقیحانه همراهان رئیس‌جمهور امریکا برای تخریب یک میدان در این شهر.

به نوشته روزنامه دیلی میل، درحالی که یکی از کارمندان هتل هیلتون در بریسن استرالیا درباره سرو غذا برای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه افشاگری کرد به نظر می‌رسد اقدامات ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه شرم‌آورتر از درخواست بی‌منطق باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا نبوده است.

هتل هیلتون میزبان پوتین و هیات همراهش در جریان نشست دو روزه ۱۵ و ۱۶ نوامبر در استرالیا بود و رئیس‌جمهوری روسیه پیش از اختتامیه نشست، استرالیا را به مقصد کشورش ترک کرد که علت آن نیز تاکنون به درستی مشخص نشده است. با این حال پوتین گفته بود برای اینکه روز دوشنبه به موقع در محل کارش حاضر باشد، لازم است که زودتر نشست اقتصادی گروه ۲۰ را ترک کند چرا که سفری طولانی در پیش دارد.

کارمند هتل هیلتون استرالیا گفت، فردی پیش از سرو غذا برای پوتین، غذاهای رئیس‌جمهور روسیه را امتحان می‌کرد تا مسموم نباشد. اگر چه این امر می‌تواند در میان رهبران جهان امری عادی

محسوب شود اما از آنجایی که احتمالاً خصومت‌ها علیه پوتین به دلیل بحران اوکراین بالا گرفته است، ممکن بود وی مسموم شود.

این کارمند ناشناس هتل هیلتون گفت، تدابیر امنیتی شدیدی برای پوتین در نظر گرفته شده بود و پوتین یکی از قدرتمندترین رهبران میهمان این هتل محسوب می‌شد. به گفته وی رهبران موریتانی و مکزیکی نیز در جریان نشست جی ۲۰ در این هتل اقامت داشتند اما ۷۵ درصد اتاق‌ها را همراهان پوتین اشغال کرده بودند.

در زمانی که اجلاس جی ۲۰ برگزار می‌شد، همزمان روسیه ناوگانی از کشتی‌های جنگی را به ساحل استرالیا اعزام کرد.

دیوید کامرون، نخست‌وزیر دولت ائتلافی انگلیس

با به سخره گرفتن اقدامات پوتین گفت: من لزومی ندیدم که برای تامین امنیتم با خود کشتی جنگی به جی ۲۰ بیاورم، من اطمینان دارم خطری پوتین را تهدید نمی‌کند!

تونی ابوت، نخست‌وزیر استرالیا نیز به این حاشیه دامن زد و در جریان سخنانش این مساله را «الگوی تاسف بار» قدرت‌نمایی ارتش روسیه توصیف کرد.

رئیس‌جمهوری روسیه همانند سایر رهبران جهان محافظان شخصی خود را به استرالیا برده بود و افسران پلیس مخفی نه تنها در داخل هتل بلکه در خارج هتل نیز مشغول گشت‌زنی بودند.

با این حال این تنها پوتین نبود که درخواست‌های جنجالی داشت. در جریان نشست دو روزه استرالیا فاش شد که هیات همراه باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا درخواست کرد تا یک میدان اصلی در بریسن تخریب شود! این میدان در نزدیکی دانشگاه کوئینزلند در حومه غربی شهر واقع شده است و اوباما در محوطه بسته آن سخنرانی کرد.

علت درخواست تخریب این میدان این بوده است که موتورها وابسته به رئیس‌جمهوری امریکا که تعداد آنها بی‌شمار بود، مجبور نشوند در این میدان از سرعت خود بکاهند؛ درخواستی که با مخالفت مقام‌های کوئینزلند مواجه شد.

بخش نخست

نگاهی به عوامل چمלקی پوست



چمלק شدن پوست، دو علت اصلی و چند علت فرعی دارد؛ مهم‌ترین علت اصلی این اتفاق، افزایش سن است. با افزایش سن، کلاژن و الاستین موجود در لایه درم پوست به دلیل طبیعی که دارند، به تدریج کاهش پیدا می‌کنند و پوست از حالت طبیعی و شاد خود خارج می‌شود.

با از بین رفتن کلاژن، حجم پوست از زیر کم می‌شود و در نتیجه در سطح چمלק می‌شود. به همین دلیل متخصصان پوست برای رفع این مشکل، از تزریق ژل استفاده می‌کنند. ژل، جایگزین کلاژن از بین رفته می‌شود تا فرم اولیه را به پوست برگرداند و چمלקی‌ها را از بین ببرد. اما چون ژل‌ها ساخته‌گی و صنعتی هستند، پایداری زیادی ندارند و تزریق آن‌ها باید بعد از یک سال تکرار شود.

الاستین نیز با گذشت زمان و به‌خصوص در اثر تأثیر نیروی جاذبه زمین، به تدریج حالت کش‌سانی خود را از دست می‌دهد. حتماً دقت کرده‌اید که وقتی راه می‌روید، پوست صورت‌تان حالت افتاده و وقتی دراز می‌کشید، حالت صاف‌تری دارد و چمלקی‌هایش کمتر به نظر می‌رسد؛ زیرا وقتی ایستاده یا نشسته‌اید، نیروی جاذبه زمین پوست‌تان را به سمت پایین می‌کشد. حال در نظر بگیرید در اثر افزایش سن، کلاژن پوست کاهش یافته و الاستیسیته یا خاصیت کش‌سانی آن به هم خورده است. در چنین شرایطی، نیروی جاذبه زمین پوست شل شده را با قدرت بیشتری به سمت پایین می‌کشد و در نتیجه فرد غمگین می‌آورد یا پوست کنار صورتش آویزان می‌شود. بنابراین کاهش کلاژن و الاستیسیته پوست همراه نیروی جاذبه زمین، دو عامل مؤثری هستند که باعث پیری و افتاده‌گی پوست می‌شوند. در کنار این‌ها، عوامل دیگری نیز می‌توانند روند پیری پوست را تشدید کنند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

نور خورشید و آسیب به پوست‌های روشن:

نور خورشید به‌خصوص نور UVB در برخورد با پوست، باعث افزایش شکننده‌گی کلاژن‌ها می‌شود. به همین دلیل هم تأکید همیشگی متخصصان پوست، استفاده مناسب از کریم‌های ضدآفتاب است. جالب است بدانید افرادی که پوست تیره‌تری دارند، در مقابل نور خورشید مقاوم‌تر هستند و چمלק دیرتر در پوست آن‌ها ظاهر می‌شود.

زنده‌گی در مناطق صنعتی و ورود آلوده‌گی به پوست:

تماس مداوم با مواد شیمیایی و آلاینده‌ها باعث ورود آن‌ها به داخل پوست می‌شود و فعل و انفعالاتی در آن ایجاد می‌کنند که در نتیجه باعث شکسته شدن بیشتر کلاژن‌ها و الاستین و تسریع پیرپوستی می‌شوند.

لوازم آرایش و ترکیبات شیمیایی:

برای آن‌که مواد آرایشی، مانده‌گاری بیشتری روی پوست داشته باشند یا جذابیت بیشتری ایجاد کنند و بوی مطبوعی داشته باشند، حاوی ترکیب‌های شیمیایی فراوانی هستند که اثر آن‌ها تقریباً مشابه اثر آلاینده‌ها و مواد شیمیایی است و باعث پیرپوستی می‌شوند.

بخش دوم

فلسفه «پراکسیس» مارکس

مازیار رازی

«تیوری» به خودی خود «غیرعملی» است، زیرا که قابل تحقق نیست؛ و کارایی «تیوری»، مشروط به وجود «نقد رادیکال» منطبق با نیازهای مردم است. از دیدگاه مارکس، این نکته پایه و اساس انتقال «تیوری» به «عمل» را تشکیل می‌داد. از آن‌جایی که نیازهای مردم با رهایی کامل آن‌ها قابل تحقق است، پس لازمه این انتقال (تیوری به عمل)، یک «انقلاب اجتماعی» است. و در مرکز این انقلاب نیز پرولتاریا، به عنوان تنها طبقه متشکل تحت ستم که آزادی‌اش پیش‌شرط آزادی کل بشر است، قرار دارد. بدین ترتیب، پرولتاریا با نفی خود به مثابه یک طبقه، کل نظام طبقاتی را از میان برمی‌دارد.

یک واحد غیرقابل تفکیک را تشکیل می‌دهند. مارکس در این مورد می‌نویسد که: «همان‌طور که فلسفه سلاح‌های مادی خود را در پرولتاریا جست‌وجو می‌کند، پرولتاریا نیز سلاح‌های معنوی خود را در فلسفه می‌یابد». (۱۳) به سخن دیگر، بدون پرولتاریا و در غیاب نیروی بالقوه آن طبقه، هیچ‌گاه افق محدود فلسفه (یا تیوری)، گشایش نمی‌یابد. «فلسفه» تنها زمانی به هدف نهایی خود می‌رسد که متکی بر یک طبقه - به مثابه ابزار و سلاح مادی‌اش - باشد و ریشه در «واقعیت» عینی پیدا کند. از سوی دیگر، پرولتاریا بدون دسترسی به سلاح معنوی خود (فلسفه)، به رهایی نهایی نخواهد رسید. مارکس می‌گوید که: «فلسفه بدون الغای

تزهای فوئرباخ و فلسفه «عمل»

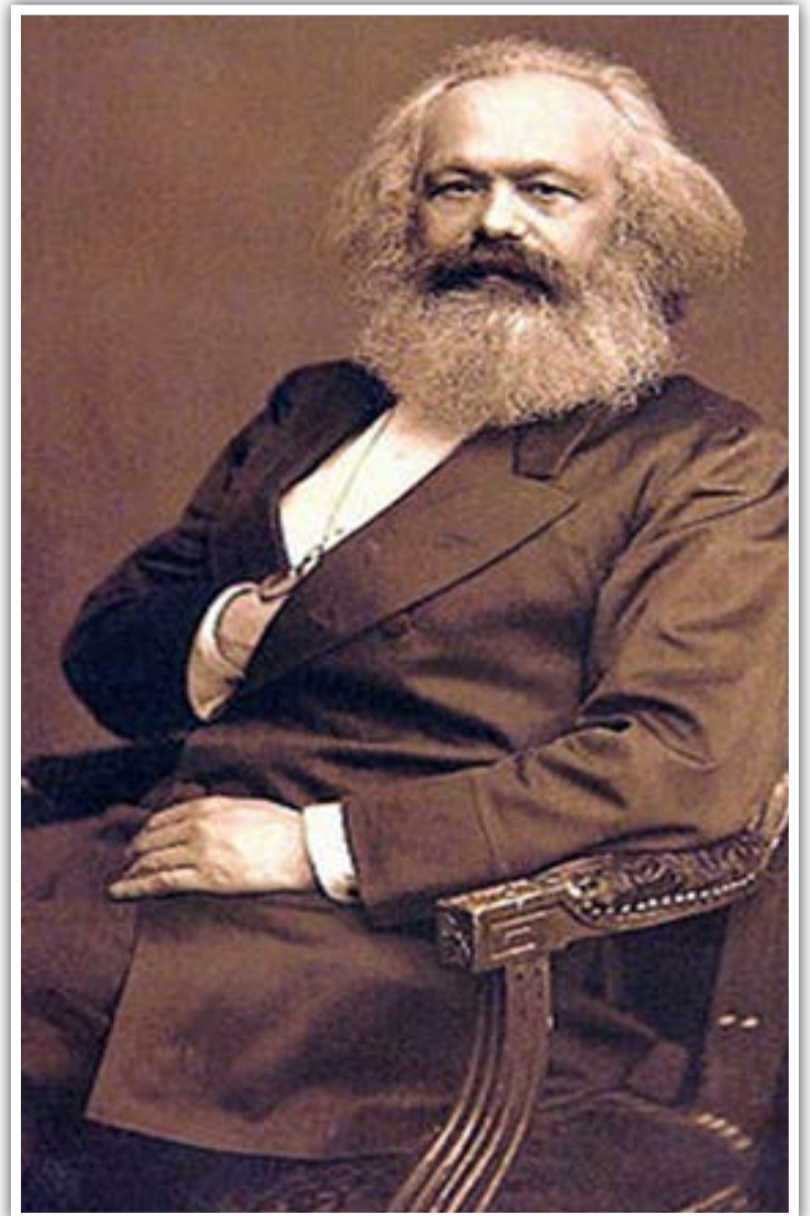
اساسی‌ترین خصوصیات فلسفه «عمل» (۱۵) مارکس، در تزهای فوئرباخ (۱۶) خود را به نمایش گذاشت. در این اثر کوتاه، مارکس به‌وضوح مفهوم «عمل» را، مبنی بر وحدت «بشر» و «طبیعت» و وحدت «عین» و «ذهن»، نشان داد (۱۷). در یازده تز، مارکس فلسفه‌اش را به مثابه فلسفه «تغییر و تحول» جهان معرفی می‌کند. اکنون به تزها می‌پردازیم:

تز اول:

نقص اصلی ماتریالیسم همه فیلسوفان تا کنون - از جمله فوئرباخ - این است که شیء (۱۸)، واقعیت (۱۹)، جهان محسوس (۲۰)، در آن‌ها فقط به صورت عین (۲۱) یا نگرش [تأمل (۲۲)] به طور ذهنی درک می‌شود، نه به صورت فعالیت بشری مشخص (۲۳)، یا پراتیک. این نشان می‌دهد که چرا جنبه فعال [واقعیت]، برای مخالفت با ماتریالیسم، توسط ایده‌آلیسم بسط داده شد؛ البته فقط به صورت انتزاعی، چرا که ایده‌آلیسم طبعاً فعالیت واقعی و مشخص را چنان که هست نمی‌شناسد. فوئرباخ در پی اعیان مشخص، واقعاً متمایز از اعیان اندیشه، است؛ ولی خود فعالیت بشری را چون فعالیت عینی نمی‌نگرد. به همین دلیل، در کتاب «ذات (۲۴) مسیحیت» فقط فعالیت نظری [تیوریک] را فعالیتی اصالتاً بشری می‌گیرد و درک خود از پراتیک را به شکلی از تظاهر حقیر جهودوارانه (۲۵) آن محدود می‌کند. از این جاست که وی اهمیت فعالیت «انقلابی»، اهمیت فعالیت «عملی - انتقادی» را در نمی‌یابد.

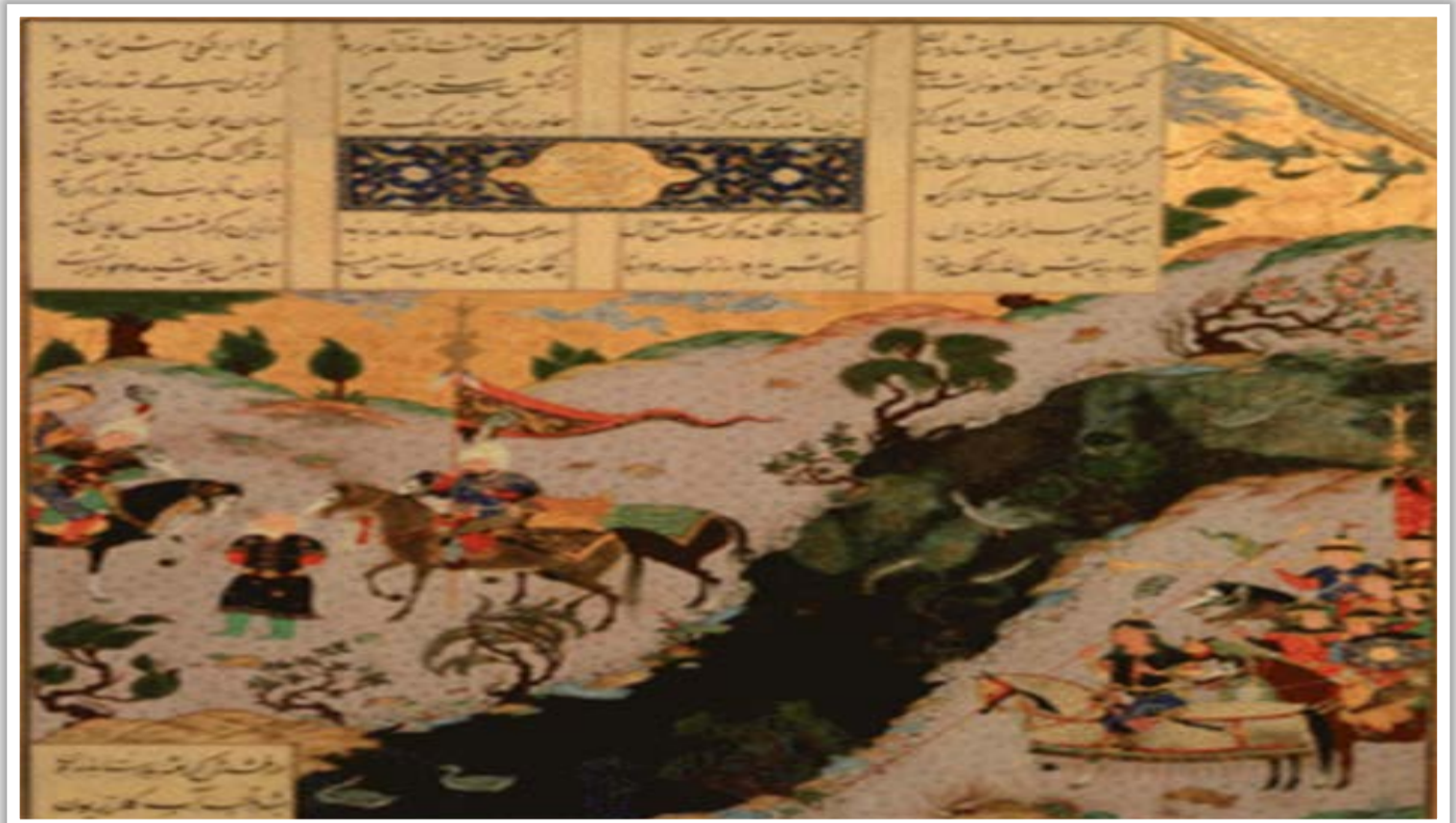
تز اول را دقیق‌تر می‌شکافیم:

در سه جمله نخست (به ویژه جملات اول و سوم) مارکس می‌گوید که نقطه قوت ماتریالیسم سنتی (به ویژه ماتریالیسم فوئرباخ) در تأیید این امر نهفته است که واقعیت جهان را مستقل از «ذهن» توضیح می‌دهد. اما نقطه اساسی آن این است که عینیت (objectivity)، واقعیت و جهان محسوس صرفاً به صورت «تأمل» و یا به صورت ذهنی درک می‌شود و نه به صورت فعالیت محسوس عملی بشری.



پرولتاریا تحقق واقعی نمی‌یابد و پرولتاریا بدون تحقق واقعی فلسفه نمی‌تواند خود را ملغا کند. (۱۴) تا این مقطع، تحلیل‌های مارکس در مورد نقش پرولتاریا از زاویه مفاهیم فلسفی بنا شده بود و نه تحلیل‌های اقتصادی - اجتماعی. تحلیل او محدود، و تنها متکی بر ارزیابی تاریخی او از وضعیت پرولتاریا بود. او هنوز نقش پرولتاریا را از زاویه تحلیل قوانین حاکم بر روابط اقتصادی سرمایه‌داری، روابط طبقاتی جامعه بورژوازی و دولت سرمایه‌داری، بنا نکرده بود. در واقع، کمبود یک تحلیل علمی از نقش پرولتاریا در تحلیل‌های آن دوره او مشاهده می‌شد. اما با این وصف،

مارکس معتقد بود که پرولتاریا به رهایی کامل خود دست نمی‌یابد، مگر این که «تیوری» را به «عمل» تبدیل کند. او تأکید می‌کرد که تیوری به خودی خود منجر به رهایی پرولتاریا نمی‌گردد. هم‌چنین «وجود» یا «حضور» اجتماعی تیوری به خودی خود، منجر به آزادی طبقه کارگر نمی‌گردد. طبقه کارگر در ابتدا باید به موقعیت اجتماعی خود آگاه گردد - به نیازهای رادیکال خود واقف گردد. و سپس لزوم فراهم آوردن زمینه مادی برای رهایی خود را درک و در ارتباط با آن، «عمل» انقلابی سازمان دهد. «آگاهی» پرولتاریا نیز «فلسفه» یا جهان‌بینی آن طبقه است. در واقع، پرولتاریا و فلسفه



اسطوره کیخسرو در شاهنامه

ابوالقاسم اسماعیل پور

بخش نخست

پیش گفتار:

داستان‌های شاهنامه در طول روزگاران متمادی، تحول یافته و دگرگون شده‌اند. «مطلب اوستایی، چه آن‌ها که در اوستای موجود دیده می‌شوند و چه آن‌ها که از دست رفته و تنها ذکری از آن‌ها در دینکرد بازمانده، فقط از شاهان پیشدادی و کیانی سخن می‌گویند، آن‌هم تا عصر گشتاسب. از داستان‌ها و قهرمانی‌های خاندان سام، زال و رستم در اوستا نشانی نیست و چنان نشانی نیست که به حذف شباهت داشته باشد، و معلوم است هنوز این داستان‌ها در عصر اوستایی شکل نگرفته بوده است، زیرا وجود همین داستان هاست که شاهنامه را به اثری عظیم تبدیل کرده است.» (بهار، ۱۳۸۵، ۱۰۳) اگر داستان خاندان زال و رستم در دوره اوستایی وجود داشت، در متون اوستا اشاره‌یی به آن می‌شد. برعکس، همه‌جا در اوستا سخن از گرشاسب، قهرمان و دلاور دینی، است. در حالی که تنها نام خاندان گرشاسب و لقب او، سام نریمان، به صورت نام پدر و پسر به شاهنامه رسیده است. نام سام در شاهنامه و گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، ربطی به روایات اوستایی و پهلوی مربوط به گرشاسب ندارد. در اوستا از بهمن، نوه گشتاسب، و تداوم خاندان او تا اسکندر نیز سخنی به میان آورده نمی‌شود.

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که در گذار از اسطوره به حماسه تحولی عظیم و بنیادی رخ داده است. حماسه ملی ایران کهن، هرچند ریشه در اساطیر کهن زرتشتی دارد، اما بیشتر مبتنی بر حفظ روایان شفاهی اساطیری حماسی بوده است و در این گذار، روند خاص خود را پیموده، دگرگونی و استحاله یافته تا به عصر اسلامی رسیده و در شاهنامه فردوسی بازتاب یافته است. استاد بهمن سرکاراتی چه نیک آورده است که «در حقیقت، شاهنامه بیش از آن‌که به سنت اوستا و متن‌های پهلوی زرتشتی وابسته باشد، به سنت زنده و پویای روایات شفاهی و گاه مکتوب شرق ایران کهن وابسته است و دلیل

تفاوت‌های جدی آن با متن‌ها و مطالب اوستایی و زرتشتی پهلوی همین است. تنها شباهت عمده شاهنامه با روایات حماسی زرتشتی کهن و میانه، در نام شاهان پیشدادی و کیانی است. هرچند بنیان اساطیری شاهنامه امری مسلم است، اما «حماسه ملی ایران [باستان] در تدوین نهایی اش، که اینک به دست ما رسیده، نمای ظاهری تألیفی از نوع تواریخ ایام و کارنامه شاهان دارد و طرح کلی آن در بازگویی تاریخ ایران باستان به شیوه‌یی پرداخته شده است که ضمن آن زمان اساطیری با تدبیری زیرکانه به زمان تاریخی پیوسته و آن‌چه اسطوره محض بوده، اینک به صورت بخشی از تاریخ و پاره‌یی از آن وانمود شده است.» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۷۱-۷۲)

برخی از دانشمندان مانند لومل و دومزیل کیانیان یا برخی از شاهان، این سلسله را اساطیری می‌دانند و برخی دیگر مانند هرتل و هرتسفلد، آن‌ها را تاریخی می‌شمارند و برخی مانند کریستنسن، آن‌ها را سلسله‌یی از فرمانروایان شرق ایران کهن می‌دانند که پیش از هخامنشیان حکومت‌های محلی داشته‌اند. اگر به متون اوستایی استناد کنیم، کیکاووس و کیخسرو که پادشاه هفت کشور اند و بر مردمان، دیوان، جادوان و پریان مسلط‌اند، مانند هوشنگ و تهمورث اساطیری‌اند. پس پادشاهان پیشدادی و کیانی یا دست‌کم بسیاری از آن‌ها جنبه اساطیری دارند. حتا می‌توان گفت که کیکاوس یک شخصیت اساطیری هند و ایرانی است. رستم و سهراب نیز سگزی‌اند و به حماسه‌های سکایی مربوط‌اند.

از پیشدادیان تا پایان عصر کیخسرو تقریباً یک دوره سه هزارساله تاریخ حماسی ماست که شامل سه بخش است: از نخستین ایام تا ضحاک، فرمانروایی هزارساله ضحاک، و عصر فریدون تا به آسمان رفتن کیخسرو.

در هزاره اول، پادشاهان با فره اند، در هزاره دوم ضحاک بی‌فره و پیرو اهریمن است، و در هزاره سوم، افراسیاب از میان می‌رود و کیخسرو شاه و موبد پیروز می‌شود و حکومت سلطنت و دین، و پیروزی راستی بر دروغ شکل می‌گیرد. چون بنا به روایت شاهنامه، پیشدادیان ۱۴۴۱ سال، ضحاک ۱۰۰۰ سال و کیانیان تا کیخسرو ۳۱۰ سال پادشاهی

می‌کنند و مجموعاً از نظر تاریخی، کیومرث تا به آسمان رفتن کیخسرو ۲۷۵۰ سال طول می‌کشد. (بهار ۱۳۸۵: ۵-۱)

مهم ترین شخصیت های اساطیری شاهنامه عبارت‌اند از: جمشید که در اصل خورشیدی و با درخشندگی مربوط بوده است. در وداها، یمه نخستین انسان است و با خواهرش، یمی، نخستین زن و مرد را تشکیل می‌دهد. در نوشته های زرتشتی به صورت مشی و مشیانه درآمده که در شاهنامه بازتابی ندارد، اما در شاهنامه جمشید ادعای خدایی می‌کند و غرورش مایه سرشکستی اوست.

ضحاک بر جمشید چیره می‌شود، در اوستا اژدهاست، اما در شاهنامه پادشاهی ستمگر است. فریدون در اساطیر ودایی تریته نام دارد و اژدهایی سه سر را می‌کشد. در شاهنامه فریدون پسر آبتین یا آبتین است. کیکاووس در اساطیر زرتشتی به این صورت وصف شده که پس از تولد، او را در جعبه‌یی گذاشتند و در آب رها کردند. وقتی از آب گرفته شد، به پادشاهی رسید. شاهنامه از روایات زرتشتی استفاده کرده است. کیکاوس در اساطیر ودایی کاوی اوشنس نام دارد و با آیین‌های قربانی مربوط است. او در اوستا شخصیتی پرهیزگار و راستکار است، اما در اساطیر شاهنامه شهریاری نابخرد و ستمکار است. گشتاسب در اساطیر زرتشتی شخصیتی راتکار و پشتیبان زرتشت است، اما در اساطیر شاهنامه شخصیتی متفاوت دارد و محبوب نیست. گرشاسب پهلوان نام‌آور اساطیر زرتشتی است ولی در شاهنامه جایگاهی ندارد و رستم، قهرمان ملی ایرانیان جای او را می‌گیرد و مهم‌ترین نقش را از روزگار منوچهر پیشدادی تا بهمن کیانی برعهده دارد. و سرانجام، کیخسرو واپسین شخصیت مهم اساطیری اوستا و شاهنامه است که در این جستار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

داستان کیخسرو

داستان کیخسرو با این دیباچه آغاز می‌گردد که سه چیز مکمل یک‌دیگر اند: هنر، نژاد و گوهر (جوهر یا سرشت آدمی)؛ چون به هر سه رسیدی، خرد کامل‌کننده و نتیجه بخش هر سه است:

چو هر سه بیابی خرد بایدت شناسنده نیک و بد
بایدت (شاهنامه، ۴۲۵/۱)

کیخسرو از این چهار چیز بی‌نیاز بود. چون «تاج بزرگی» بر سر نهاد، همه‌جا را آبادان و فراخ و سرسبز کرد:

به هر جای ویرانی آباد کرد
دل غمگنان از غم آزاد کرد
زمین چون بهشت شد آراسته
ز داد و ز بخشش پر از خواسته
(همان‌جا)

فردوسی تلاش کیخسرو برای آبادانی میهن را به جمشید و فریدون همانند کرد و او را همتای آنان نشان داد:

چو جم و فریدون بیاراست گاه ز داد و بخشش
نیاسود شاه
(همان‌جا)

کیخسرو، پسر سیاوش، مادرش فرنگیس، دختر افراسیاب هنوز در شکم مادر است که پدر کشته می‌شود. افراسیاب تصمیم به نابودی جنین دارد که با وساطت پیران ویسه [۲] از این کار چشم می‌پوشد. گیو به توران زمین می‌رود و کیخسرو و فرنگیس را به ایران می‌آورد، کیکاووس تصمیم دارد که تاج و تخت را به کیخسرو بسپارد، ولی با مخالفت طوس مواجه می‌شود که حامی فریبز پسر کیکاووس است. کاووس به ناچار، تصرف بهمن دژ را شرط سلطنت قرار می‌دهد. فریبز و طوس از گشودن آن درمی‌مانند، ولی کیخسرو آن محل را تصرف کرده و به جای آن آتشکده آذرگشسب را می‌سازد. (عادل، ۱۳۷۲: ۳۷۴)

کیخسرو به محض نشستن بر تخت، طوس را با سپاهی گران برای کین خواهی از خون سیاوش، به توران می‌فرستد. این لشکرکشی، نخست مرگ فرود، پسر سیاوش و جریره، و آن‌گاه شکست طوس را در پی دارد. در لشکرکشی دوم نیز طوس با شکست فاصله‌یی ندارد که رستم به یاری ایرانیان می‌آید. پس از کشته شدن پیران ویسه، وی شخصاً به نبرد افراسیاب می‌رود که منجر به دستگیری افراسیاب می‌شود و کیخسرو خود او را می‌کشد. کیخسرو پس از شصت سال پادشاهی، از بیم افتادن در خودپسندی، تصمیم به کناره‌گیری از تاج و تخت می‌گیرد. بعد از سپردن تاج و تخت به لهراسب، از میان مردم ناپدید می‌شود. (همان‌جا)

بررسی و تحلیل داستان

آن‌گاه رستم چون شنید کیخسرو بر تخت نشست، تاج و تخت را سزاوار و شایسته او دید، عزم دیدار شاه کرد و با زال و سام و نریمان و بزرگان کابل به سوی کیخسرو راه افتادند. گیو و گودرز و طوس با نای و کوس به پذیره شتافتند و همه‌گی نزد کیخسرو رسیدند.

چو خسرو گو پیلتن را بدید

سرشکش ز مژگان به رخ برچکید
فرود آمد از تخت و کرد آفرین
تهمتن ببوسید روی زمین

کیخسرو رستم را نواخت و او را «پروردگار سیاوش» خواند. زال را نواخت و پهلوانان را به «تخت مهی» برنشاند.

رستم به یاد سیاوش، پدر کیخسرو، افتاد و دلش پر خون و پر درد شد. پس، از کار سیاوش یاد کرد و کیخسرو را تنها یادگار نیکو و سزاوار پدر خواند:

ندیدم من اندر جهان تاجور
بدین فر و مانده‌گی پدر
(شاهنامه، ۴۲۷/۱)

شهریار جهان با رستم به نخجیر شد و آن‌گاه با سپاهی به همراه طوس، گودرز و گیو همه بوم ایران را بگشتند، نآبادان را آبادان کرد و در هر شهری تخت نهاد تا آذرآبادگان همی رفت و به آذرگشسب رسید و «به آتشکده در نیایش گرفت». آن‌گاه سوی کاووس شاه رفتند و کاووس شاه از افراسیاب سخن گفت و آن ناجوان‌مردی که بر سر سیاوش آمده بود و بس شهرها که ویران شده بود و پهلوانان و زنان و کودکان به هلاکت رسیدند.

افزایش حملات انتحاری

در پی رد فهرست خواست‌های پاکستان از سوی دکتر غنی

ناجیه نوری

دلیل اصلی افزایش حملات انتحاری، نپذیرفتن خواست رییس استخبارات پاکستان از جانب افغانستان، حضور افراد نفوذی این کشور در داخل ارگان‌های امنیتی و عدم معرفی کابینه است. یک عضو مجلس نمایندگان می‌گوید، به محض برگشت رییس‌جمهور از پاکستان حملات انتحاری به پایتخت آغاز شد، زیرا خواست‌های رییس استخبارات پاکستان مبنی بر گماشتن افراد مورد تأیید آنان در پست‌های امنیتی افغانستان از سوی اشرف غنی پذیرفته نشد.

شیکبا هاشمی عضو کمیسیون دفاعی مجلس نمایندگان می‌گوید، زمانی که رییس‌جمهور غنی از چین برگشت، بلافاصله کنفرانسی را برگزار کرد و برنامه‌های سفر به چین را با مردم شریک ساخت؛ اما پس از برگشت از پاکستان هیچ کنفرانسی برگزار نشد و از دیدارشان با رییس استخبارات پاکستان هیچ سخنی به میان نیاورد.

این عضو مجلس گفت، پاکستان مانند سال‌های گذشته می‌خواهد در کابینه افغانستان وزیر داشته باشد و بدون شک این مساله را با دکتر غنی مطرح کرده و با افزایش حملات انتحاری می‌خواهد بگوید که یا شرط ما را قبول کنید یا این که ما به افزایش ناامنی‌ها ادامه می‌دهیم.

وی تصریح کرد، پس بدون شک در این دیدار لیستی از افراد مورد تأیید شان به دکتر غنی داده شده که در نهادهای امنیتی باید گماشته می‌شدند؛ اما این خواست از سوی رییس‌جمهور مورد قبول واقع نشده است.

بانو هاشمی، دلیل دیگر افزایش حملات انتحاری در شهر کابل را ناشی از بی‌کفایتی ارگان‌های کشفی و استخباراتی عنوان کرده می‌گوید، کم‌کاری و کوتاهی ارگان‌های استخباراتی یکی از عوامل افزایش حملات انتحاری اخیر است.

به گفته این عضو مجلس، دلیل دیگر افزایش حملات انتحاری و ناامنی عدم معرفی کابینه و اداره کردن وزارت‌خانه‌ها توسط سرپرست وزیران است. او افزود، نهادهای کشفی به دلیل اداره شدن توسط سرپرستان مسوولیت خود را درست ادا نمی‌کنند و از سویی هم، فساد به اندازه گسترده شده که دشمن از این نقطه ضعف نیز به راحتی توانسته نهایت استفاده را ببرد و مواد و افراد انتحاری را به داخل کابل انتقال دهد.

وی دلیل دیگر افزایش حملات انتحاری را نفوذ استخبارات کشور پاکستان در نهادهای امنیتی دانسته گفت، افرادی در درون نهادهای امنیتی حضور دارند که افراد انتحاری را به مکان مور نظر انتقال و



برنامه‌های حملات انتحاری را اجرا می‌کنند.

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که دیروز معاون نخست ریاست جمهوری نیز نفوذی‌های دشمن را مسوول زمینه‌سازی این حملات عنوان کرد. جنرال دوستم گفت که به زودی آنها به جزای اعمال شان خواهند رسید.

به گفته جنرال دوستم، انتحارکنندگان به همکاری نفوذی‌های شان (در درون دولت) خود را به دارالامان و میدان هوایی رساندند.

گفته می‌شود که حمله برجان جنرال ظاهر رییس فرماندهی پولیس کابل، حمله بر جان اسدالله خالد رییس عمومی امنیت ملی، حمله در داخل ساختمان وزارت دفاع ملی، کشته شدن چهار مشاور خارجی در اثر حمله انتحاری در داخل معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت مورد داخله و ده‌ها حمله انتحاری دیگر، توسط طالبان و به کمک و همکاری افراد نفوذی آنها که در داخل ارگان‌های امنیتی حضور دارند، انجام شده است.

با این حال، جنرال امرالله امان آگاه مسایل نظامی می‌گوید، مردم امیدوار بودند که با تغییر حکومت در افغانستان وضعیت امنیتی بهبود یابد؛ اما متأسفانه پس از گذشت چهل و چند روز رییس‌جمهور به جای معرفی کابینه سه سفر کرده است؛ در حالی که به جای سفر کردن اگر در راستای تشکیل کابینه جدید تلاش می‌کرد، مشکلات امنیتی و سایر مشکلات حل می‌شد. او تأکید کرد، تقریباً دو ماه از آغاز حکومت جدید می‌گذرد؛ اما هنوز هم وزارت‌خانه‌ها توسط سرپرستان اداره می‌شوند و چون وزیران سرپرست هستند؛ بنابراین بسیار با علاقه کار نمی‌کنند که مشکلات امنیتی هم ناشی از همین مسأله است.

به گفته وی، هرچند برای حکومت وحدت ملی یک بستر بسیار بد از حکومت کززی به میراث مانده که انجام حملات انتحاری و انفجارها می‌باشد؛ اما کابینه جدید می‌تواند بسیاری از این مشکلات از جمله

چالش‌های امنیتی را حل کند.

وی افزود، استخبارات پاکستان در سکتورهای امنیتی افغانستان جایگاهی داشتند و فرمایشات‌شان پذیرفته می‌شد؛ اما مردم امیدوار هستند که حکومت جدید دست استخبارات پاکستان را از ارگان‌های امنیتی کوتاه کند و دیگر اجازه ندهند که افراد نفوذی آنان در این ارگان‌ها فعالیت داشته باشند.

در روزهای اخیر کابل، پایتخت و شماری از ولایت افغانستان چندین حادثه انفجار و انتحار را پشت سر گذاشته است.

در حمله انتحاری ساعت ۶:۳۰ صبح روز گذشته در ساحه پلچرخ کابل دست کم دو محافظ یک قرارگاه نیروهای خارجی کشته و یک شهروند خارجی مستقر در این قرارگاه زخمی شده است.

گفته می‌شود که بمب گذار انتحاری، موتر باری مملو از مواد انفجاری را در نزدیکی ورودی یک قرارگاه نیروهای خارجی در شاهراه کابل-جلال‌آباد انفجار داد.

دو روز پیش نیز یک عامل انتحاری، موتر مملو از مواد انفجاری خود را در سرک دارالامان در غرب کابل منفجر کرد که در نتیجه آن سه نفر مشمول یک دختر نوجوان دانشجو و ۳۲ نفر دیگر از جمله شکر به بارکزی عضو مجلس نمایندگان زخمی شدند.

هفته گذشته یک حمله انتحاری در مقر فرماندهی پولیس کابل که گفته می‌شود هدف انتحارکننده جنرال ظاهر فرمانده پولیس کابل بود، اتفاق افتاد و یک کشته بر جا گذاشت.

در همین حال، دو روز قبل ده‌ها نفر از افراد طالبان در ولسوالی بالا بلوک ولایت فراه به پاسگاه‌های پولیس ملی و محلی حمله کرده‌اند.

گفته می‌شود که حوالی ساعت ۵ صبح روز دوشنبه ده‌هاتن از افراد طالبان به این پاسگاه‌ها در قریه‌های کمپنی، گنج‌آباد و چهار کوچه ولسوالی بالا بلوک ولایت فراه حمله کرده‌اند.

ما مخالف طالبان...

پاکستان شده‌اند که این روند نباید ادامه پیدا کند. عزیز تأکید کرد: در جنگ افغانستان گروه‌های شبه‌نظامی به کمک پاکستان و امریکا تجهیز شدند، اما واشنگتن همه گروه‌های شبه‌نظامی را به پاکستان سرازیر کرده است. تعدادی از این گروه‌ها برای ما خطرناک هستند و تعدادی برای امریکا؛ پس چرا ما باید با همه آنها دشمن باشیم.

مشاور نخست وزیر پاکستان گفت: ارتش علیه شبه‌نظامیانی که به امریکا حمله کرده بودند وارد عمل شد و حتی کسانی را که باقی ماندند پاکسازی کرد.

سرتاج عزیز اظهار داشت: مبارزه یا مذاکره با طالبان افغانستان به پاکستان مربوط نمی‌شود و شبکه حقانی نیز از گروه‌های وابسته به همین گروه می‌باشد.

وی افزود: با اینکه مذاکره با طالبان افغانستان به دولت این کشور مربوط می‌شود ما تلاش می‌کنیم با طالبان مذاکره کنیم اما روابط پاکستان با طالبان افغانستان مانند دهه نود مستحکم نیست.

بیکاری و ناامنی دو مشکل...

کشورشان به سمت درستی در حرکت است، در حالی که سال گذشته تعداد افرادی که چنین فکر می‌کردند ۵۷,۲ درصد بود. براساس این نظرسنجی، ۴۰,۴ درصد دیگر فکر می‌کنند که افغانستان به سمت نادرستی در حرکت است که افزایش خفیف نسبت به ۳۷,۹ درصد در سال گذشته را نشان می‌دهد.

این نظرسنجی که زیر عنوان «افغانستان ۲۰۱۴» نظرسنجی از افغان‌ها» از ۲۲ جون تا هشتم جولای صورت گرفته است، نشان می‌دهد که دلایل بدبینی افغان‌ها نسبت به آینده کشورشان به ترتیب در ناامنی (۳۸ درصد)، فساد اداری (۲۴ درصد)، بی‌کاری (۲۲ درصد) اقتصاد ضعیف (۱۰ درصد) و تقلب انتخاباتی (۹ درصد) نهفته است.

در مقایسه با نتایج نظرسنجی سال گذشته، شمار کسانی که فکر می‌کنند ناامنی مشکل بزرگ است از ۲۹,۸ درصد به ۳۴ درصد افزایش یافته است. این نظرسنجی نشان می‌دهد که ۳۳,۱ درصد افغان‌ها بیکاری را مشکل بزرگ عنوان کرده‌اند. ۲۲,۵ درصد عدم دسترسی به برق و ۱۷,۵ درصد دیگر نبود جاده‌های مناسب را مشکل بزرگ خوانده‌اند.

در این نظر سنجی بزرگ‌ترین مشکلات برای زنان افغان بی‌سوادی، نبود فرصت‌های کاری و خشونت عنوان شده است. ۲۳,۹ درصد مصاحبه‌شونده‌ها بی‌سوادی، ۱۴,۶ درصد دیگر کمبود فرصت‌های کاری، ۱۱,۳ درصد هم خشونت‌های خانوادگی و ۷,۲ درصد ازدواج‌های اجباری را مشکل بزرگ برای زنان عنوان کرده‌اند.

براساس نتایج این نظرسنجی، در سال ۲۰۱۴ میلادی ۶۵,۴ درصد افغان‌ها همیشه، غالباً و یا گاهگاهی نگران امنیت خود و یا خانواده شان بوده‌اند، در حالی که شمار کسانی که در سال ۲۰۱۳ احساس ناامنی می‌کردند به ۵۹ درصد می‌رسید. بیشترین احساس ناامنی از ولایت‌های فاریاب، وردک، فراه و قندوز گزارش شده است. ولایت‌هایی که باشندگان آن خیلی به ندرت احساس ناامنی می‌کنند ولایت‌های پنجشیر، بدخشان و بامیان می‌باشند.

در پاسخ به این سوال که کدام یک از نیروهای امنیتی افغانستان موثریت بهتر دارند، ۵۰,۴ درصد پاسخ دهنده‌ها از پولیس ملی، ۲۴,۲ درصد از اردوی ملی و ۲۱,۷ درصد دیگر از پولیس محلی یاد کرده‌اند.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که ۸۶,۵ درصد افغان‌ها به اردوی ملی و ۷۳,۲ درصد افغان‌ها به پولیس ملی کشور شان اعتماد دارند. با وجود این، در مجموع ۵۵,۷ درصد افغان‌ها فکر می‌کنند که نیروهای امنیتی کشور شان هنوز هم به حمایت‌های خارجی نیاز دارند.

این نظرسنجی در یک مرحله مهم زمانی صورت می‌گیرد زیرا نیروهای رزمی خارجی برای خروج از کشور در هفته‌های پیش رو آمادگی می‌گیرند و نیروهای حکومتی با شورشگری فزاینده مواجه‌اند. بر علاوه این نگرانی نیز وجود دارد که از موثریت حکومت وحدت ملی در اثر منازعه داخلی بر سر قدرت میان حامیان رییس‌جمهور اشرف غنی و رییس اجرایی عبدالله عبدالله کاسته شود.

جندالله یک شاخه طالبان

پاکستانی از داعش حمایت کرد



یک گروه دیگر از طالبان پاکستان از داعش حمایت کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، فرحان مروات، سخنگوی گروه شبه نظامی «جندالله» گفت، «جندالله» پس از دیدار با یک هیات سه نفره از نمایندگان داعش به رهبری الزبیر الکویتی، حمایت خود از داعش را اعلام کرد.

جندالله یکی از شاخه‌های طالبان پاکستان است که به دنبال برقراری رابطه با داعش است. هدف مشترک آن‌ها کشتار یا بیرون راندن اقلیت‌های مذهبی و ایجاد یک تئوکراسی (حکومت دینی) افراطی سنتی است.

تحلیل‌گران می‌گویند، تاکنون داعش اکثراً گروه‌های فرقه‌بی را به جای شبه نظامیان مخالف دولت همچون طالبان جذب کرده است. پاکستان شبه نظامیان تندروی مجهز و آماده و پیر جمعیتی دارد. مروات گفت: شبه نظامیان داعش برادران ما هستند. هر برنامه‌ای که داشته باشند، ما

حداقل ۱۰۰ نیروی امریکایی

در افغانستان باقی خواهند ماند



احتمال دارد که از اوپاما تقاضا کند «به دلیل شرایط حساس حاکم بر این کشور» جدول زمان‌بندی خود را تغییر داده و دیرتر اقدام به خروج نیروهای امریکایی از افغانستان نماید. کمپل اعلام کرده است که امریکا از اجرای عراق درس گرفته است و در افغانستان جانب احتیاط را بیشتر لحاظ می‌کند.

به گفته این مقام امریکایی وضعیت نیروهای نظامی افغان از مهم‌ترین پارامترهایی است که در شکل‌گیری به تصمیم قطعی امریکا در مورد زمان خروج نیروهای خود از افغانستان دخیل است.

امریکا بر اساس برنامه اولیه قرار بود تا پایان سال ۲۰۱۴ به طور کامل نیروهایش را از افغانستان خارج کند، اما بر اساس پیمان امنیتی که حامد کززی رییس‌جمهور پیشین حاضر به امضای آن نشد، اما در دولت جدید مورد موافقت قرار گرفت، واشنگتن اعلام کرده است که تا پایان ۲۰۱۶ همچنان گروهی از نیروهای خود را در افغانستان نگه می‌دارد. واشنگتن حالا به بهانه ناآرامی‌ها در عراق، قصد دارد خروج نیروها از افغانستان را بار دیگر به تعویق بیندازد.

امریکا پس از خروج نیروهای خود از افغانستان، هم چنان یک هزار نیروی امنیتی خود را در کشور نگاه می‌دارد.

امریکا قصد دارد، پس از خروج نیروهای خود از افغانستان، هم چنان یک هزار نیروی نظامی خود را به بهانه تأمین امنیت سفارت خود در کابل، در این کشور نگاه دارد.

بنا بر گزارش روزنامه امریکایی واشنگتن‌پست، جنرال جان کمپل که به نمایندگی از امریکا در حال بررسی اوضاع در افغانستان است، هنوز نتیجه تحقیقات خود در مورد زمان مقضی خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را اعلام نکرده اما

از جهان سوم به جهان اول

داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های موفقیت نظام سرمایه‌داری رهبری شده مدل اجتماعی-اقتصادی‌بی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید
بخش هشتم

خاطرات لی کووان یو
اقتباس و ترتیب: محمود کرزی

بعدها قانون زمین را دوباره تعدیل کردم. به اساس این تعدیل، دولت اجازه داشت، در صورت ضرورت، زمین مورد نیاز خود را به قیمت ثابتی که بتاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ تعیین شده بود، استملاک کند. دلیل این اقدام چنین بود که من استدلالی سراغ نداشتم تا به اساس آن اجازه داده شود مالکین زمین‌های شخصی از افزایش قیمت زمین‌های شان سود ببرند، در حالی که این افزایش ارزش، نتیجه صرف وجه عامه توسط دولت در راه اعمار زیربنایها و انکشاف اقتصادی بود. با مرور زمان، هم‌قدم با پیشرفت بسوی رفاه بیشتر اقتصادی، سال اساس را تغییر داده به جنوری ۱۹۸۶، جنوری ۱۹۹۲ و سپس به جنوری ۱۹۹۵، نزدیک به قیمت‌های بازار مبدل ساختیم.

تعداد کسانی که علاقمند به خریداری آپارتمان‌های مورد انکشاف مسکن بودند به سرعت از ۳۰۰۰ تن در سال ۱۹۶۷ به ۷۰۰۰۰ تن در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت. بالاتر از پنجاه درصد این خریداران کسانی تشکیل می‌دادند که قبلاً مالک منازل مورد انکشاف مسکن بودند و حالا می‌خواستند خانه‌های بزرگتری را خریداری کنند. در سال ۱۹۹۶، ما دارای ۷۲۵۰۰۰ آپارتمانی بودیم که توسط مورد انکشاف مسکن اعمار شده بود، محض ۹ درصد این آپارتمان‌ها به کرایه داده شده بودند، متباقی آنها در تصرف صاحبان خود قرار داشته و مالکین در آنها زندگی می‌کردند. قیمت آپارتمان‌های کوچک سه اتاقه ۱۵۰۰۰۰ دلار و قیمت آپارتمان‌های بزرگ و لوکس به ۴۵۰۰۰۰۰ دلار می‌رسید. (این قیمت‌ها حاکی از این واقعیت بودند که آپارتمان‌های مورد انکشاف مسکن علاقمندان زیادی داشتند.)

من گاه‌گاهی در امور مورد انکشاف مسکن بطور مستقیم مداخله می‌کردم، مثلاً در سال ۱۹۷۴ به رئیس عامل این مورد هدایت دادم که کیفیت و دیزاین آپارتمان‌ها را به‌بود بخشیده و چشم انداز شهرها را طوری تغییر دهد که همه آنها یک‌سان و خسته‌کن به نظر نیایند. تغییرات مهندسی‌بی که در نتیجه این اقدامات در امر خانه‌سازی و شهرسازی بوجود آمد، با استفاده از حوض‌ها و فراز و نشیب‌های زمین، به هر یک از شهرهای جدیداً خصوصیات و کرکتر جداگانه‌بی بخشیده و از هم‌گونی مناظر شهرها جلوگیری به عمل آورد.

در دهه اول بعد از سال ۱۹۶۵، منازل رهائشی در زمین‌های اطراف مرکز، در تیانگ بهارو، کویز تاون، تاو پایو، و میکفرسن اعمار شدند. پس از ۱۹۷۵، این فعالیت ساختمانی به ساحات دورتر از مرکز، به مناطق زراعتی و دهاتی، توسعه داده شد. به تعقیب بحث‌هایی که با مأمورین مورد انکشاف اقتصادی (Economic Development Board) داشتم، از مورد انکشاف مسکن خواستم تا در هر یک از محلات اعمار شده ساحه‌بی را به اعمار صنایع پاک، یعنی صنایعی که سبب آلودگی هوا نمی‌شوند (clean industries) اختصاص دهد تا بدین وسیله محل کار برای خانم‌های جوان و مادرانی که کودکان‌شان در مکاتب درس می‌خوانند، بوجود بیاید. موفقیت این اقدام زمانی به اثبات رسید که کمپنی فیلیپس نخستین فابریکه خود را در تاو پایو اعمار کرد. پس از این اقدام، غالب شهرهای سنگاپور دارای فابریکه‌های «صنایع پاک» شدند که با وسایل تهویه و سرد ساختن هوا مجهز بودند. این فابریکه‌ها توسط شرکت‌های چند ملیتی‌بی نظیر هیولت پاکارد، کامپاک، تکراس انسترومیتس، اپل کمپیوتر، موتورولا، سیگیت، ایپاچی، میسوبیشی، آی‌وی، و زمیمنس اعمار شده و برای ۱۵۰۰۰۰ نفر که بیشترشان زنان بودند، محل کار ایجاد کردند و درآمد خانواده‌ها را دو چند و حتی سه چند افزایش بخشیدند.

خلاصه ساختن سی سال تجربه در چند صفحه محدود سبب می‌شود تا همه چیز ساده و سهل به نظر آید. در حالی که، در حقیقت امر، معضله‌های بزرگی در سر راه قرار داشتند که باید با آنها دست و پنجه نرم می‌شد. این مشکلات مخصوصاً در مراحل اول کار بس بزرگ و غامض بودند. در این مراحل اولی بود که ما دهاقین و کارگران را از سرپناه‌های محقر و پلان ناشده چوبی فاقد بل برق و آب، که تقریباً رایگان بودند، به بلندمنزل‌هایی

۱۹۸۹ به وزیر انکشاف ملکی پیشنهاد کردم که وقت آن رسیده است تا منازل قدیم را با استفاده از پول دولت بازسازی نموده و کیفیت آنها را به سرحد تقریبی منازل جدید ارتقا بخشیم. وی با این پیشنهاد موافقت کرده و تعدادی را به خارج اعزام نمود تا دریابند که بهبود منازل قدیمی را به چه اندازه می‌توان عملی نمود بدون این که برای ساکنینی که در آنها زندگی می‌کردند، مزاحمت زیاد ایجاد شود. این مامورین مثال‌هایی را در این زمینه در آلمان، فرانسه، و جاپان پیدا نمودند. بر اساس یافته‌های این مأمورین، مورد انکشاف مسکن با یک مرحله نمایشی ترمیم منازل کهنه آغاز نمود. در این مرحله، مورد انکشاف مسکن بالای هر منزل کهنه مبلغ ۵۸۰۰۰۰ دلار را به مصرف رسانده و اتافی را برای لباس شوئی، تشناب، و یا آشپزخانه به منزل علاوه نمود. در برابر این هزینه، صاحب خانه مسئولیت داشته که ۴۵۰۰۰ دلار به مورد انکشاف بپردازد. دیوارهای بیرونی و اطراف محلات قدیمی تجدید ساختمان شدند تا با استانداردهای محلات رهائشی نوساز و منازل شخصی اطراف هماهنگ شوند. چمن‌ها و محلات سرسبز و جاهای سرپشته‌بی که برای گردهمایی‌های خانوادگی مورد استفاده قرار می‌گرفتند اعمار گردیدند. در نتیجه این بهبودی و بازسازی، قیمت منازل در محلات رهائشی قدیمی بطور قابل ملاحظه ای صعود نمود

۸) خدمات صحی (صفحه ۱۲۲ و بعد):

مشکل بزرگ دیگری که با آن مواجه بودیم، عدم کفایت و وضع ناهنجار خدمات صحی بود. زمانی که حکومت حزب کارگر در سال ۱۹۴۷ برنامه ملی (دولتی) خدمات صحی را در انگلستان براه انداخت، من در آن کشور مصروف تحصیل بودم. این نظر انگلیس‌ها که همه انسان‌ها مساوی اند و هیچ کسی نباید از خدمات صحی دارای کیفیت عالی محروم شود، نظری بود آرمانی و قابل تقدیر. ولی این نظر در عمل غیرقابل تطبیق بوده و منجر به تورم قابل ملاحظه هزینه‌های خدمات صحی گردید. بدین سبب، برنامه ملی (دولتی) خدمات صحی برتانیه در عمل برنامه ناکامی بود. در جانب دیگر، برنامه‌های خدمات صحی نوع ایالات متحده که بر اساس بیمه‌های صحی خصوصی استوار بود نیز با حق الاشتراک و قیمت گزافی توأم بود زیرا بیمه‌ها مجبور بودند هزینه‌های آزمایشات تشخیصی بسیار گزافی را بپردازند. به نظر من، ما باید راه به‌تری را برای عرضه خدمات صحی به مردم خود سراغ می‌کردیم.

به عقیده من، مفکوره عرضه رایگان خدمات صحی با سلوک طبیعی انسان تصادم می‌کند؛ این مطلب بطور یقین در سنگاپور صادق بود. درس نخستین من در این زمینه ناشی از وضعی بود که در کلینیک‌ها و بیمارستان‌های دولتی حاکم بود. زمانی که دوکتوران کلینیک‌ها و شفاخانه‌های دولتی دواهای اتی بیوتیک را بطور مجانی به مرضیانی می‌دادند، دریافت کنندگان، این دواهای رایگان آنها را برای یکی دو روز مورد امتحان قرار می‌دادند و چون زود شفا نمی‌یافتند، به فکر این که دواهای دولتی رایگان فاقد کیفیت لازم اند، دواها را دور انداخته و برای دریافت و خریداری نسخه تازه‌بی به دوکتوران خصوصی مراجعه می‌کردند. مریضان، این دواهای خریداری شده خود را که با هزینه پولی خود شان توأم بود، تا اتمام دوران تداوی می‌خوردند و شفا می‌یافتند، بدون این که بفهمند که دلیل شفایافتن آنها تکمیل دوران تداوی، نه کیفیت دوا بوده است. برای اصلاح رفتار مریضان در برابر خدمات صحی رایگان، تصمیم گرفتم که مریضان برای هر ملاقات با داکتر در کلینیک بدون بستر، مبلغ پنجاه سنت بپردازند. این فیس ناچیز با گذشت زمان افزایش یافته و با صعود عاید و قیمت‌ها هماهنگ ساخته شد.

برای این که مخارج بودجه صحی ما از کنترل خارج نشود کوشش‌های زیادی کردم. در سال ۱۹۷۵ با عده‌بی از هم‌کاران کابینه این پیشنهاد را مورد بحث قراردادم که مقداری از سهم پس انداز تقاعدی ماهانه کارگر را که به CPF پرداخته می‌شد برای پرداخت سهمی اختصاص دهیم که کارگر مجبور بود برای تکافوی مصارف صحی خود به عهده بگیرد. کینگ سوئی، معاون صدراعظم، از این مفکوره پشتیبانی کرد و دوفیصد سهمیه حق الاشتراک کارگران در CPF به منظور تکافوی هزینه‌های اقامت آنها در شفاخانه پرداخته شود. وی با این مفکوره موافق بود که تطبیق چنین طرحی بهتر از مفکوره داشتن یک سیستم عمومی بیمه می‌باشد، زیرا هر شخص مسئول بل مصارف خود می‌بود؛ و این مسئولیت مانع سوء استفاده از خدمات صحی خواهد شد.

مؤقت‌های ما در امر آوردن تغییر و تحول، معضله‌های تازه‌بی سبب شدند. آنانی که در انتظار اعمار خانه‌های خریداری شده خود به سر می‌بردند، شاهد افزایش قیمت آپارتمان‌ها بودند. این افزایش قیمت‌ها ناشی از بلند رفتن مزد کار، افزایش قیم وارداتی مواد ساختمانی، و صعود ارزش زمین بود. این خریداران با بی حوصله‌گی انتظار داشتند خانه‌های شان هرچه زودتر به آنها تسلیم داده شود. ولی امکانات و ساحه عمل ما محدود بود. ما بین سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۸۲ یکی از اشتباهات بزرگ خود را مرتکب شدیم؛ بدین معنی که در این مدت اعمار منازل را نسبت به گذشته دوچند ساختیم. من در سال ۱۹۷۹، چین وانگ را به حیث وزیر انکشاف ملی مقرر کرده بودم. قبل از این، او رییس عامل مورد انکشاف مسکن بود. چین وانگ به من اطمینان داده بود که وی قادر خواهد بود به تقاضای روزافزون مسکن پاسخ بسنده بدهد. وی بدین کار موفق شد، ولی از آنجایی که قراردادی‌ها نمی‌توانستند با حجم بزرگتر کار هم‌قدمی کنند، کیفیت کار صدمه دید و نواقص ساختمانی، بعدها نارضایتی‌های بزرگی را در میان خریداران بوجود آورد. برطرف نمودن این نواقص نه تنها برای مورد انکشاف مسکن مصارف گزافی را دربر داشت، بل که تکالیف زیادی را برای مالکینی که در این منازل زندگی می‌کردند ببار آورد.

با تجاربی که من در زندگی داشتم باید می‌دانستم که سر خم کردن در برابر خواسته‌هایی که برآوردن آنها بالاتر از ظرفیت کاری ما قرار داشت، کار درست و مفیدی نبود. معذالک، من بار دیگر در اشتباه مشابهی شریک بودم که در سال‌های ۱۹۹۰ بوقوع پیوست. در این سال‌ها، از آنجایی که قیمت املاک روبه صعود بود، همه مردم می‌خواستند منازل موجوده خود را فروخته و تا حد ممکن منازل نو و بزرگتری را خریداری نمایند. در پاسخ به این حالت، به جای این که تقاضای این اشخاص را (که در عین حال رأی دهنده هم بودند) توسط وضع مالیه بالای فایده‌باد آورده آنها محدود بسازیم، من موافقه کردم که تعداد بیشتر آپارتمان ساخته شود. این تصمیم، حباب بازار مستغلات را شدت بخشیده و بحران پولی سال ۱۹۹۷ را درد آورتر ساخت. شکی نیست که اگر ما تقاضای اضافی را زودتر، در سال ۱۹۹۵، مهار می‌کردیم، وضع ما به مراتب بهتر می‌بود.

۷) جلوگیری از تبدیل شدن نواحی رهائشی قدیمی به محلات کثیف غیرصحی (صفحه ۱۲۱ و بعد):

برای این که نگذاریم محلات رهائشی قدیمی به ویرانه و محلات کثیف و غیرصحی تبدیل شوند، در سال

منتقل ساختیم که دارای برق، آب و خدمات صفائی بودند ولی نیاز به پرداخت بل ماهانه داشتند. پرداخت این بل‌ها برای کسانی که تازه داخل این شیوه جدید زندگی می‌شدند، از نظر شخصی، اقتصادی، و اجتماعی تجربه‌بی بود مشکل و غالباً دردآور.

در مراحل نخستین، انتیاق با شیوه جدید زندگی (در آپارتمان) امری بود مشکل ولی اجتناب ناپذیر که گاه‌گاهی نتایج خنده‌آور و غیرموجه را ببار می‌آورد. چندین خانواده دهقان، تحمل جدایی از خوک‌های خود را نداشتند، و در نتیجه، آنها را با خود از مزرعه به بلند منزلی آوردند که در آن زندگی می‌کردند. صاحبان سایر آپارتمان‌ها، تازه واردینی را دیدند که سعی می‌کردند خوک‌های خود را از طریق زینه‌های بلندمنزل به آپارتمانی که تازه خریداری کرده بودند رهنمایی کنند! خانواده دیگری که متشکل از پدر و مادر و دوازده کودک بود، در موقع کوچ‌کنشی به آپارتمان جدید خود واقع در خیابان میدان هوایی قدیم، تعدادی از مرغ‌ها و مرغ‌آبی‌های خود را با خود به آپارتمان آوردند تا آنها را در آشپزخانه آپارتمان نگاه‌داری کنند. مادر این خانواده دروازه چوبی‌بی را در مقابل آشپزخانه آپارتمان نصب کرد تا مانع ورود مرغ‌ها و مرغ‌آبی‌ها به اتاق نشیمن شود. شب هنگام، کودکان این خانواده در زمین‌ها و چمن‌های اطراف بلند منزل به جمع‌آوری کرم‌های زمینی و حشرات می‌پرداختند تا از این طریق غذای مرغ‌ها و مرغ‌آبی‌های خود را تهیه کنند. این خانواده و کودکان آن، ده‌سال متواتر به این کار ادامه دادند تا این که بالاخره به آپارتمان دیگری منتقل شدند. مردمان مالیزیایی تبار علاقه داشتند در طبقات پایینی بلند منزل، نزدیک به سطح زمین، زندگی کنند. این علاقه آنها از آنجا نشئت می‌کرد که این گروه به کشت سبزیجات در اطراف بلند منزل علاقه‌مند بودند، چنان‌که این کار را در ده و قریه می‌کردند. برای مدت طولانی، تعداد زیادی از چینیایی‌ها، مالیزیایی‌ها، و هندوستانی‌ها به عوض این که از اسانسور استفاده کنند از طریق زینه‌ها خود را به آپارتمان خود می‌رساندند. این کار آنها ناشی از ترسی بود که از راندن اسانسور داشتند. مردمانی هم وجود داشتند که با وجود موجودیت برق در آپارتمان، از چراغ‌های تیل خاکی استفاده می‌کردند. بعضی‌ها هم به تجارت قبلی خود ادامه داده و از اتاق‌های جلوی آپارتمان‌های طبقه اول بلندمنزل (که با زمین هم‌سطح بود) به فروش سگرت، شیرینی باب و سایر کالاها مبادرت می‌ورزیدند. همه این اشخاص و خانواده‌ها از تکان شدید فرهنگی (cultural shock) رنج می‌بردند.

Mandegar

آلمان حدود ۸۵۰ نفر از نیروهای خود را

در افغانستان نگه خواهد داشت



سخنگوی وزارت دفاع آلمان روز سه شنبه اعلام کرد این کشور قصد دارد به منظور کمک به آموزش نیروهای مسلح محلی افغان، در سال ۲۰۱۵ تا ۸۵۰ سرباز خود را در افغانستان نگه دارد. به گزارش خبرگزاری رویترز از برلین، این تعداد از آن‌چه که پیش از این انتظار می‌رفت، اندکی بیشتر است.

آلمان در چارچوب ماموریت تحت رهبری ناتو در افغانستان، حدود سه هزار و ۲۰۰ نیرو در این کشور داشته است.

آلمان قصد داشت از ماه جنوری این تعداد را به نیرویی متشکل از ۶۰۰ تا ۸۰۰ سرباز کاهش دهد. سخنگوی وزارت دفاع آلمان با تایید گزارش روزنامه زودویچه زایتونگ مبنی بر این‌که این تعداد اندکی افزایش یافته است، گفت علت آن اینست که ارتش این کشور همچنان مسوول ماموریت بین‌المللی در شمال افغانستان خواهد بود.

هیچ کشور متحد دیگری نمی‌تواند بالگرد برای تخلیه نظامیان مجروح به این منطقه اعزام کند بنابراین

این، اغلب از ارتش آلمان درخواست می‌شود با بالگردهای سی‌اچ-۵۳ خود کمک کند. پس از بیش از یک دهه عملیات رزمی در افغانستان، ناتو قصد دارد سال آینده مجدداً بر ماموریت اصلی خود در دفاع از اروپا و امریکای شمالی تمرکز کند. با این‌حال، امریکا و دیگر کشورها می‌خواهند پس از خروج رسمی نظامیان امریکایی از افغانستان در سال جاری میلادی، هزاران نیرو را به منظور مبارزه با تروریسم و آموزش نیروهای افغان در این کشور حفظ کنند.

رییس جمهور غنی:

فرهنگ شهری در کابل تقویت گردد

پیشنهادات وکلای مذکور، با اشاره بر این‌که کابل فاقد زمین نه بلکه فاقد پلان است، گفت که کابل به یک پلان استراتژیک نیاز دارد و این پلان از اعمار سرک‌ها آغاز می‌گردد و تطبیق آن به وقت ضرورت دارد. وی افزود که سایر مشکلات شهری به شمول ترانسپورت جزء پلان استراتژیک کابل است.



محمد اشرف غنی تاکید کرد که مردم باید مشاهده کنند که دولت به وعده‌های خود عمل می‌کند. وی همچنان گفت که باید تداخل وظیفوی در ادارات

از بین برود. رییس جمهور غنی، گفت که سهم مردم در تطبیق پلان‌ها مهم است و بدون سهم‌گیری مردم نمی‌توانیم نظم و امنیت را تأمین کنیم و شهر را پاک و نظیف سازیم. باید فرهنگ شهری در کابل تقویت گردد.

رییس‌جمهور گفت که صلاحیت‌ها و مسوولیت‌های شهرداری کابل باید تغییر کند و قانون استملاک به گونه اساسی اصلاح شود.

رییس جمهور غنی افزود که راه جلوگیری از ازدیاد نفوس کابل به چهار ولایت همجوار آن مرتبط است و تا زمانیکه به ولسوالی‌ها توجه نشود مشکل ولایت کابل حل نخواهد شد.

رییس جمهور کشور، مشکل افغانستان را نداشتن کارگران فنی دانست و تاکید کرد که اگر می‌خواهیم شغل ایجاد نمائیم، باید سیستم عرضه و تقاضا و مدیریت درست شود.

در اخیر این دیدار رییس جمهور خاطر نشان کرد که به سایر مشکلات ولایت کابل نیز رسیده‌گی صورت خواهد گرفت و سلسله دیدارهای منظم با وکلا ادامه خواهد یافت.

رییس‌جمهور غنی در دیدار با نماینده‌گان ولایت کابل در شورای ملی، ضمن این‌که خواستار تقویة فرهنگ شهرنشینی در پایتخت شده، گفته است که شهر کابل فاقد یک پلان استراتژیک است.

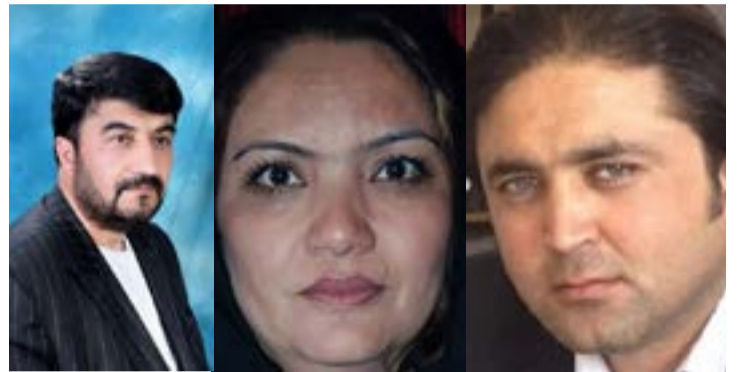
بر بنیاد خبرنامه ارگ، در این دیدار که در ارگ انجام شد، شماری از وکلای ولایات کابل به نماینده‌گی از دیگران، مشکلات‌شان را در عرصه‌های مختلف از جمله وضعیت امنیتی، ساخت بی‌کیفیت سرک‌ها، سو استفاده از امکانات دولتی، کمبود آموزگاران مسلکی، عدم توجه بیشتر به سکتور زراعت، ازدحام ترافیکی، بیکاری و افزایش معنادرین، عدم دسترسی به خدمات صحی در ولسوالی‌ها، تراکم نفوس و تقری‌ها به اساس روابط، مطرح کردند.

آنان پیشنهاد کردند تا در شهرداری کابل، فرماندهی امنیه و حوزه‌های مربوط آن و همچنان قضا و دادستانی کل اصلاحات به وجود آید، کار احداث سرک حلقوی کابل تسریع و ساخت بند برق شاه و عروس اکمال گردد و به حفظ محیط زیست، نظافت شهر و بازاریابی برای میوه جات ولایت کابل توجه بیشتر صورت گیرد.

رییس‌جمهور کشور پس از استماع مشکلات و

د کابینې ځنډ به روان حالات نور هم کړکېچن کړي

کم شي. د سلجوقي په خبره ولسونه د ملي يوالي د پايلو ته سترگې په لار دي، ټول دا هيله لري چې گډ حکومت به وکولای شي هغه ناخوالې چې په تېر حکومت کې موجودې وې له منځه یوسي او نوی گډ کار به دغه ولسونه سره یو کړي؛ خو که له پيله بې باوري رامنځته شي د ملي يوالي اصل به ورک کړي.



ښاغلي سلجوقي ماندگار ته وويل: (د کابینې ځنډ د یو شمېر اندېښنو د را پیدال کېدو سبب ګرځي، په دې حکومت کې اساسي اصل د ولسونو یوالی دی، دوی انتظار باسي چې نوی میکانیزم به د ملي وحدت حکومت په نتیجه کې منځ ته راځي. هر څومره چې کابینه ځنډېږي ولسونه د دواړو رهبرانو ترمنځ د یوالي په اصل بې باوري کېږي.)

د سلجوقي په خبره چې پر حکومت د خکلو د بارو لپاره دې هر څومره چې کېدای شي کابینه زر ولسي جرگې ته ور وپېژني. ښاغلی سلجوقي د لندن د کنفرانس لپاره د کابینې زر اعلانېدل اړین بولي او زیاتوي چې دغه کنفرانس د افغانستان لپاره خورا ګټور تمامېدای شي؛ نو پکار ده چې حکومت ورته پوره تیاری ولري.

نوموړی وايي چې د ولسي جرگې د رییس او یو شمېر نورو غړو له خوا د کابینې د اعلانېدو خبرې کېږي؛ خو تر اوسه د دوی له خوا کومه رسمي پلنه نه ده ورکړل شوې خو د کابینې زر اعلانېدل اړین وګڼي.

نقیب الله فایق په ولسي جرگه کې د فریاب د خلکو هغه استازی دی چې وایي دواړه رهبران ولسمشر محمد اشرف غني او د اجرایوي چارو رییس عبدالله عبدالله په خپلو کې د کابینې په سر چنه بازي کوي چې د کابینې د ځنډ سبب ګرځېدلی دی. د هغه په خبره چې دغه چنه بازي د ښو او وړو وزیرانو د انتخاب لپاره ډېر ګټور تمامېدای شي، نو پکار ده چې د ځنډ لپاره یې اندېښنه ونه لرو.

هغه همداراز هغه غوښتنې ردوي چې ځینې خلک یې د کابینې د زر اعلان لپاره له دولت څخه لري. نوموړي وويل: (د دواړو تیمونو ترمنځ اختلاف شته، دوی چنه وهي؛ څو ښه او وړ وزیران په کابینه کې ځای کړي، دا چې کابینه ځنډېدلی اصلی علت یې همدا دی، باید داسې یوه کابینه رامنځته شي چې د تېرې کابینې په پرتله ډېره پاکه او شفافه وي؛ نو خلک دې د کابینې د زر اعلانېدو غوښتنه نه کوي. زما په نظر هغه وزیران او والیان چې اوس سرپرستان دي باید په نوې کابینه کې ورته ځای ور نه کړل شي.)

ښاغلی فایق سرپرست وزیران یا والیان چې په تېر حکومت کې یې په دې پوستونو کار کړی په فساد ترنوي او زیاتوي چې افغانستان ته یې هغسې چې لازم وو خدمت نه دی کړی.

همداراز وایي چې په نوې کابینه کې دې له ډېر دقته کار واخیستل شي؛ څو تېرې دورې ته مو ونه رسوي.

ښاغلی فایق ډاډه دی چې دواړه رهبران دې ته رسېدلي خو د یوې اونی په اوږدو کې خپله کابینه ولسي جرگې ته ور وپېژني؛ د هغه په باور چې نوې کابینه به ډېرې ښېګڼې او ځانګړنې ولري.

نوموړې د هغوی ځانګړنې په فساد کې د نه لاس لرل او تورنېدل په ګوته کوي او وایي چې که راتلونکې ادارې له فساد پاکې وي د حکومت د ټپک نامې سبب به و ګرځي.

د نوي حکومت د کابینې ځنډ ښايي روان وضعیت ته زیان ورسوي او هېواد وال به یې د ملي يوالي پر وړاندې پر کړو ژمنو بې باوري شي.

دغه خبرې د ولسي جرگې یو شمېر غړو وروسته له هغې ماندگار ته وکړې چې په پلازمېنه کابل او یو شمېر نورو ولایتونو کې د وسله والو طالبانو بریدونو او چاودنو زور واخیست.

د نوي حکومت له پيل نه څو ورځې وروسته د کابل د امنې په قومندانۍ، د لوګر په امنې قومندانۍ او دې ته ورته په نورو هغو ځایونو کې چې امنیتي تدابیر یې د نورو هغو په پرتله زیات او محکم وي بریدونه او چاودنې دا ښايي چې په اړونده وزارتونو کې یې د شته ستونزو له کبله بې باکي زیاته شوې ده.

د ولسي جرگې غړي دا او دې ورته په نورو وزارتونو کې شته ستونزې د سرپرست وزیرانو ناسم چاپیریال په ګوته کوي او زیاتوي چې د شته وزیرانو سپرست کېدل د نوي حکومت هغه احساسات دي چې مخکې له وخته یې پلي کول غواړي.

په ولسي جرگه کې د کندهار د خلکو استازي اغلي فریا احمدی کاکړ وایي، افغان دولت ته پکار وه مخکې له دې چې پرحال وزیران سرپرستان کړي، د نوو وزیرانو لپاره یې لازمه امادګي درلودای؛ څو یې په ټاکلي وخت دوی ته د اعتماد رایې اخیستلو لپاره ور وپېژندلې وای.

اغلي کاکړ ماندگار ته وويل: (د ملي وحدت حکومت که مخکې ويلي وای چې موږ دقت کوو او له هغې وروسته کابینه اعلانوو، که کابینه په مياشتو هم ځنډېدلي وای، مشکلات به دوونه نه وو، لکه دا نن چې دي، دوی پرحال وزیران سرپرستان کړل او نوي وزیران یې ونه ټاکل، چې اوس وزیران هم د پخوا په شان کار نه کوي او ادارې یې لا خرابې شوي دي.)

اغلي کاکړ وایي، دا د نوي حکومت پیل وو چې باید په باوري شکل یې اقدامات کړي وای، په داسې حال کې چې بیا بیا یې ځینې ژمنې وکړې؛ خو د پلي کېدو څرک یې ونه لګېده.

نوموړې زیاتوي: (هغه وادې چې حکومت له خلکو سره کړې وې باید پر وخت یې عملي کړې وای، که هر تصیم د دې حکومت همداسې وي لکه په دې لومړیو کې چې هره موضوع یې داسې ده چې رییس جمهور ويلي دي او اجرات یې نه دي کړي، نو زه اصلا د دې حکومت پایله منفي وینم.)

اغلي په خپلو خبرو کې وويل چې د کابینې ځنډ د روانو حالاتو پر وضعیت لان منفي اغېزې کولای شي، نو پکار ده چې که بشپړه کابینه ډېر ځنډ نیسي هغه وزارتونه دې چې د امنیت په ټینګښت کې مهم رول لري د وژنو د بندېدو لپاره نوی وزیران ولسي جرگې ته ور وپېژني.

د ولسي جرگې بل غړی محمد صالح سلجوقي بیا وایي چې له هرڅه مهمه د حکومت پر ملي يوالي د خلکو باور دی، چې د کابینې له ځنډ سره ښايي د حکومت پر دې اصل د ولسونو باور

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد

برای دانشجویان

و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر

شش ماهه - ۲۰۰ دالر

نه ماهه - ۳۰۰ دالر

یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

نارسییده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی

شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی

یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی



برای دفاتر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی

شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی

نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی

یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰